

«زن و مطالعات خانواده»

سال هفدهم، شماره شصت و چهارم، تابستان ۱۴۰۳

ص ص: ۱۳۹-۱۷۱

روایت زنان از رنج‌های زندگی؛ مطالعه کیفی در سکونت گاه غیر رسمی  
(مورد مطالعه: محله التیمور مشهد)

سیمین فروغ زاده<sup>۱</sup>

سعید شریعتی مزینانی<sup>۲</sup>

چکیده

مطالعه‌ی حاضر با هدف فهم روایت زنان حاشیه نشین منطقه التیمور مشهد از مشکلات شان در تجربه‌ی زندگی روزمره انجام شده است. رویکرد محققان در انجام پژوهش، روش تحلیل متن و تکنیک گردآوری داده‌ها، مصاحبه نیمه ساختاریافته بوده است. برای دستیابی به اهداف تحقیق با ۲۵ نفر از زنان متأهل ساکن در منطقه که به شیوه‌ی هدفمند انتخاب شده بودند گفتگو و متن مصاحبه‌ها به روش تماتیک تحلیل شد. از خلال روایت‌هایی که زنان از تجربه زیسته خود داشتند مشکلات در دو قلمرو عمومی و خصوصی به عنوان مضامین اصلی استخراج شدند. همچنین نحوه ادراک زنان از مشکلاتشان مورد پرس و جو قرار گرفت که بر اساس یافته‌ها زنان رویکردی تقدیرگرایانه به مشکلاتشان داشتند. در خصوص عوامل ایجاد مشکلات، زنان مصاحبه شونده به متغیرهای فرهنگی، اقتصادی و ساختاری اشاره کردند و در نهایت، انواع واکنش‌های زنان در مواجهه با مشکلاتشان مورد سؤال قرار گرفت و معلوم شد که زنان شیوه‌های مختلف واکنش‌های فعالانه و انفعالی را در پیش می‌گیرند.

**واژه‌های کلیدی:** زنان، مشکلات، مشهد، سکونت گاه غیر رسمی، پژوهش کیفی، التیمور

---

۱- مربی پژوهش، عضو هیات علمی گروه توسعه پایدار شهری و منطقه‌ای جهاد دانشگاهی خراسان رضوی، مشهد، ایران  
s.foroughzade@jdm.ac.ir

۲- مربی پژوهش، عضو هیات علمی مرکز علمی کاربردی جهاد دانشگاهی خراسان رضوی، مشهد، ایران (نویسنده مسئول)  
shariatima@jdm.ac.ir

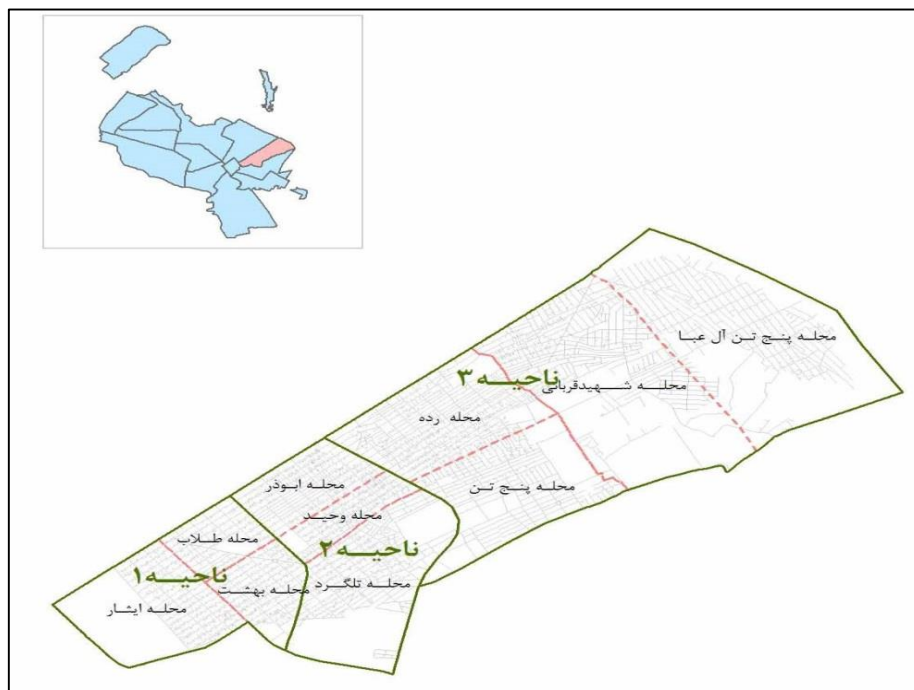
## مقدمه

گسترش فیزیکی نابسامان و بی رویه‌ی شهرها یکی از مشکلات شهر و شهرنشینی جهان سوم در دوران معاصر است به طوری که طی فرآیندی مداوم محدوده‌های فیزیکی و فضاهای کالبدی شهر در جهات عمودی و افقی به لحاظ کمی و کیفی رشد می‌یابد و اگر این روند سریع و بی برنامه باشد به ترکیبی نامتناسب از فضاهای شهری مشکل زا خواهد انجامید. در این میان یکی از علل شکل گیری این روند و همچنین یکی از مهمترین پیامدهای آن حاشیه نشینی شهری است (ابراهیم زاده و دیگران، ۱۳۸۳: ۱۲۱). از نظر تاریخی، در گذشته بیشتر جوانان، تحصیلکرده‌ها و مردان مهاجرت می‌کردند؛ اما در شرایط کنونی شاهد تغییر الگوهای مهاجرت و ورود زنان و دختران به جریان‌های مهاجرت هستیم. بطوریکه هم اکنون زنان و دختران بیش از نیمی از مهاجران را تشکیل می‌دهند (سنگرا، ۲۰۰۴؛ به نقل از محمودیان، ۱۳۸۸: ۵۲). زنان به عنوان نیمی از جمعیت حاشیه‌نشین از بسیاری جهات دچار محرومیت‌های اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی مضاعفی هستند که آنها را عمیقاً در معرض آسیب قرار می‌دهد. عدم برخورداری از شرایط اقتصادی مساعد، موقعیت اجتماعی فرودست در قیاس با مردان، عدم دسترسی به فرصت‌های آموزشی، شغلی و فرهنگی و ... سرفصل مشترکی است که در مناطق حاشیه‌ای مختلف، با پوشش‌های گوناگونی خود را نشان می‌دهد. علیرغم این، در پژوهش‌ها و مداخلات سیاسی بیست سال اخیر در مورد مهاجرت، عامل جنسیت به عنوان مقوله‌ای مؤثر برای تحلیل چندان در نظر گرفته نشده و علت بی توجهی به این موضوع، مردانه تلقی کردن جریان مهاجرت‌ها و مرتبط دانستن مهاجرت زنان با مهاجرت‌های خانوادگی بوده است. درحالی که برای زنان و دختران، حرکت از مناطق دور افتاده روستایی به مناطق شهری می‌توانسته منشأ تحول در موقعیت اجتماعی و رهایی از هنجارهای تبعیض آمیز، به ویژه هنجارهای سخت جنسیتی باشد لیکن در عمل، زنان و کودکان، بزرگ‌ترین قربانیان حاشیه نشینی بوده اند (آزکونا<sup>۲</sup> و همکاران، ۲۰۲۰).

مشهد یکی از کانون‌های اصلی شکل‌گیری سکونتگاه‌های حاشیه‌ای در سطح کشور است به طوری که رتبه دوم سکونتگاه‌های غیر رسمی کشور را از حیث مساحت بافت‌های حاشیه نشین به خود اختصاص داده و در سال ۱۳۹۵ حدود یک سوم جمعیت این شهر در بافت حاشیه‌ای ساکن بوده است. این شهر دارای هشت پهنه (۶۶ محله) سکونتگاه غیر رسمی با وسعت ۳۶۸۱ هکتار (۱۰,۷ وسعت شهر) است که طبق سرشماری سال ۱۳۹۵، حدود ۳۰ درصد جمعیت را دربرمی‌گیرد. یکی از مهمترین و متراکم‌ترین این محلات، محله التیمور است. در تقسیم بندی جدید این مزرعه در دهه ۶۵-۷۵ جزء شهر و زیر مجموعه ناحیه ۳ و منطقه ۴ شهرداری مشهد قرار گرفته است (دفتر تسهیل‌گری و توسعه محلی التیمور، ۱۳۹۸).

۱ Sangra

۲ Azcona



نقشه شماره ۱: نقشه منطقه چهار مشهد  
( ماخذ: سایت شهرداری مشهد چهار مشهد )

طبق محاسبات و تمام شماری انجام شده در دفتر تسهیل‌گری و توسعه محلی التیمور در سال ۱۳۹۸، جمعیت محله ۱۵۴۱۷ نفر است که از این تعداد ۷۴۹۴ نفر زن و ۷۹۲۳ نفر مرد هستند. ۷۳٫۷۰ درصد ایرانی و ۲۶٫۳ درصد غیر ایرانی هستند. در این محله به خاطر وجود قومیت‌های مختلف، زبان و گویش‌های متفاوتی وجود دارد زبان‌هایی مانند لری، کردی، ترکی، عربی وجود دارد اما زبان غالب محله فارسی است (دفتر تسهیل‌گری و توسعه محلی التیمور، ۱۳۹۸). در این پژوهش، محققان تلاش می‌کنند با اتخاذ رویکرد کیفی و با تکیه بر فهم تجارب زیسته تعدادی از زنان ساکن محله، دغدغه‌ها و مشکلات اصلی آنها را به عنوان بخشی از واقعیت اجتماعی توصیف و واکاوی کرده و به این سوالات پاسخ دهند که: مشکلات زنان حاشیه نشین به روایت خود آنان چیست؟ زنان مورد مطالعه چه تبیینی از مشکلات خود دارند؟ زنان مورد مطالعه مشکلاتشان را ناشی از چه عواملی می‌دانند و واکنش آنان در برابر مشکلات چیست؟

مرور پیشینه

تحقیقات متعددی به صورت پایان نامه‌های دانشجویی یا طرح‌های سازمانی درباره برخی مسائل زنان انجام شده است. این گونه تحقیقات نشان می‌دهد زنان درگیر مسائل اجتماعی مختلفی هستند، از جمله خشونت خانگی (زمانی مقدم و حسنوندی: ۱۳۹۸، سعیدی و همکاران: ۱۳۹۹، صادقی فسایی: ۱۳۸۹)، امنیت اجتماعی (نازک تبار و کیایی: ۱۴۰۰، بخشنده زحمتی و همکاران: ۱۳۹۹)، خودکشی (رضایی نسب و همکاران: ۱۳۹۶، زرانی و احمدی: ۱۴۰۰) و فحشا و روسپی‌گری (میرابی و فولادیان: ۱۳۹۸، ربانی خوراسگانی و عزآبادی: ۱۳۹۴). با این همه، در متن زندگی زنان، به ویژه آنان که به طبقات فرودست و حاشیه‌ای جامعه تعلق دارند واقعیت‌هایی جریان دارد که به دلایل مختلف نشانی از آنها در آمارها و گزارشات رسمی نیست و در معرض نگاه صاحب‌نظران و افکار عمومی قرار نمی‌گیرند. در این خصوص، یکی از انتقادهای جدی به دیدگاه فمینیستی، تمرکز بر تجربیات زنان طبقه متوسط و غفلت از مسائل زنان رنگین پوست و طبقات پایین است (کلینز، ۱۹۹۰، به نقل از صادقی فسایی، ۱۳۹۲: ۲۷۱). چکیده برخی از مطالعات کیفی نزدیک به موضوع این پژوهش در جدول زیر آمده است.

جدول شماره ۱: چکیده‌ای از بررسی پیشینه تجربی

محقق	عنوان	سال انجام	روش و جامعه مورد مطالعه	مهمترین نتایج
میرحسینی و همکاران	چالش‌های زندگی روزمره زنان حاشیه نشین شهر تهران	۱۳۹۹	روش کیفی، ۱۴ نفر از زنان ۱۴-۶۰ ساله در منطقه ۱۹ شهر تهران	احساس ناامنی اجتماعی، دسترسی نداشتن به امکانات و فرصت‌های اجتماعی و بی‌ثباتی و زندگی موقت.
قاسمی نژاد و حسنوند	تجربه حاشیه‌نشینی و سلامت اجتماعی زنان، مطالعه‌ای کیفی در بین زنان حصارامیر پاکدشت	۱۴۰۰	روش کیفی، ۱۰ نفر از زنان حاشیه نشین بالای ۱۸ سال منطقه	«روابط نارس، بی‌ثباتی موقعیت، خودحاشیه سازی و تداوم بخشی به وضع موجود، برگشت ناپذیری متقابل، حس رهابودگی و بی‌معنایی» در بین زنان مورد مطالعه وجود دارد. «محدودیت رابطه‌ای» منجر به فرودستی موقعیتی در بین زنان منطقه شده و مرزهای خانوادگی را ناپایدار کرده است.
شالچی و قلی‌زاده	تجربه ی‌پرد اجتماعی زنان در سکونتگاه‌های غیررسمی، مورد مطالعه: محله ی اسلام آباد تهران	۱۳۹۷	روش کیفی، یست و چهار نفر از زنان ساکن در محله اسلام آباد واقع در منطقه دو تهران	محرومیت اغلب زنان محله از داشتن روابط بین گروهی و فرامحلی، نداشتن مهارت و امکان اشتغال، و تجربه زیست وابسته. احساس شرمساری به سبب درونی کردن تصویر منفی از محله.

نقدی و زارع	مطالعه تطبیقی مسائل زنان حاشیه نشین به منظور مدیریت آسیب‌های اجتماعی	۱۳۹۰	روش کمی، ۱۵۴ نفر از زنان حاشیه نشین کرمانشاه و ۲۱۵ نفر از زنان در نواحی حاشیه همدان	تحصیلات پایین، وضعیت اقتصاد خانوار و مسکن زیر استاندارد و بُعد خانوار و باروری زنان بالاست. آسیب‌های اجتماعی به طور کلی و زنان به طور خاص در این مناطق زیاد بوده و نهایتاً اینکه رضایت از مدیریت شهری در بین زنان حاشیه نشین نیز اندک است.
افراسیابی و جهانگیری	آسیب شناسی تعاملات اجتماعی زنان سرپرست خانوار، مطالعه کیفی شهرستان شاهین شهر	۱۳۹۵	روش کیفی، ۳۵ نفر از زنان سرپرست خانوار	مقوله اصلی تحت عنوان «حریم ناامن» پدیدار شد. نتایج نشان داد زنان سرپرست خانوار در تعاملات اجتماعی روزمره خود با مسائل و کلیشه‌های منفی روبه رو هستند که تجربه حریم ناامن را برای آنان به همراه دارد. کنش آنان در مقابل آسیب‌ها به صورت سازگاری ناپهناجر رخ می‌دهد و از پیامدهای آن‌ها می‌توان به فرزندان آسیب دیده اشاره کرد.
قزوینه و حسینی	پیامدهای اجتماعی عدم توسعه شهری بر خانواده‌های محلات حاشیه نشین، مطالعه موردی زنان حکمت آباد کرمانشاه	۱۳۹۶	روش کیفی، زنان ساکن در محله حکمت آباد کرمانشاه	حاصل این تحقیق پنج مفهوم در قالب پیامدهای عدم توسعه شهری بر خانواده‌های محلات حاشیه نشین بود که عبارتند از: عدم ارتباط با بیرون، نگرانی از وضعیت آینده فرزندان، جدایی گزینی اجتماعی از بعدذهنی، تبدیل شدن محله به پاتوق معتادان و ایجاد الگوی نامطلوب یادگیری برای کودکان.
صادقی فسایی و مقدم	مسئله‌شناسی زنان بنا بر روایت زنان (مطالعه کیفی)	۱۳۹۲	روش کیفی، ۵۴ نفر از زنان شهر تهران در گستره سنی ۱۹ تا ۵۹ سال	مسائل زنان به دو بخش خصوصی و عمومی تقسیم می‌شود و زنان با توجه به عوامل مختلفی همچون عوامل فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و فردی، مسائل خود را تبیین کرده و برای مرتفع ساختن آن از دو راهکار مبتکرانه و واکنشی بهره می‌برند.
آکسفام	تحلیل جنسیت و قدرت در سکونتگاه‌های غیررسمی ناپروبی	۲۰۱۵	مصاحبه با پاسخ دهنده‌های ساکن در منطقه، ۲۰ مطلع کلیدی و برگزاری ۲۶ بحث گروه تمرکز در پنج سکونتگاه غیررسمی در شهر ناپروبی	تقسیم کار بر اساس جنسیت در سطح خانوار نابرابر است و تا حد زیادی توسط عوامل فرهنگی و اجتماعی تعیین می‌شود. زنان اغلب به دلیل کلیشه سازی، تصورات فرهنگی و نگرش‌های منفی که زنان را در حوزه خصوصی محدود می‌کرد در دسترسی به منابع مولد محروم اند.

هیوز و ویکری <sup>۱</sup>	خانه‌ای در شهر: مبارزه زنان برای تأمین مسکن مناسب در نواحی شهری تانزانی	۲۰۱۱	روش کیفی	شیوع قوانین و شیوه‌های تبعیض آمیز، نگرش‌های مردسالارانه عمیقاً ریشه دار و انگ و تبعیض. همچنین تجربه فقدان خدمات اساسی به عنوان مشخصه مناطق فقیرنشین و مواجهه با افزایش خشونت جنسیتی و خطرات مربوط به سلامت.
---------------------------	---	------	----------	---

### ملاحظات مفهومی و نظری

در روش کیفی و نظریه زمینه‌ای، تحقیق را از یک نظریه شروع نمی‌کنند، بلکه تحقیق از یک حوزه مطالعاتی شروع می‌شود و فرصت داده می‌شود تا آنچه متناسب و مربوط بدان است، خود را نشان دهد (استراس و کربین<sup>۲</sup>، ۱۳۸۵: ۲۲). برخلاف تحقیقات کمی که عمدتاً با توجه به مبانی نظری مشخص و فرضیات مبتنی بر آن آغاز می‌شود، تحقیق کیفی اساس کار خود را درک معنا و تفسیر و دسته بندی‌هایی قرار می‌دهد که از دید نمونه‌های پژوهش اهمیت دارد و بیان شده است. بنابراین در این گونه تحقیقات، رویکردهای نظری خاص، ماهیت و عملکرد تحقیق را تعیین نمی‌کند.

تحقیق کیفی می‌تواند از مفاهیم حساس به عنوان ابزارهای تفسیری و نقطه شروع مطالعه خود بهره‌بردار (گلاسر<sup>۳</sup>، ۱۹۷۸؛ پاتون<sup>۴</sup>، ۲۰۰۲؛ گیلگان<sup>۵</sup>، ۲۰۰۲؛ چارماز<sup>۶</sup>، ۲۰۰۳ به نقل از محمدپور، ۱۳۹۰) و به محقق کمک کند که چه چیزی را در کجا باید جستجو کند. او می‌تواند از این مفاهیم نظری در فرایند جمع آوری، کدگذاری و تحلیل داده‌ها استفاده کند (محمدپور، ۱۳۹۰: ۳۲۳). یک مفهوم قطعی دقیقاً به آن چیزی دلالت دارد که در طبقه‌ای از اشیا مشترک است، با کمک تعریف روشن بر حسب صفات یا علائم ویژه تثبیت شده، اما یک مفهوم حساس فاقد چنین تخصیصی از صفات یا علائم ویژه است و در نتیجه کاربر را قادر نمی‌سازد مستقیماً به سمت شواهد و محتوای مرتبط آن حرکت کند. در مقابل، مفهوم حساس به کاربر درکی عمومی از ارجاع و راهنمایی در نزدیک شدن به شواهد تجربی می‌دهد. در حالی که مفاهیم قطعی دستورالعمل‌هایی برای آنچه باید دیده شود فراهم می‌سازند، مفاهیم حساس صرفاً مسیرهایی را پیشنهاد می‌دهند که در امتداد آن باید به مشاهده پرداخت (بلومر<sup>۷</sup>، ۱۹۵۴: ۷، به نقل از محمدپور، ۱۳۸۹: ۳۶۶). این مفاهیم توجه محققان را به مشخصه‌های مهم تعامل اجتماعی جلب می‌کند و خطوطی راهنما برای

۱ Hughes & Wickeri

۲ Strauss & Corbin

۳ Glasser

۴ Patton

۵ Gilgan

۶ Charmaz

۷ bloomer

تحقیق در میدان‌های خاص فراهم می‌کند (صادقی فسایی، ۱۳۹۲: ۱۱۵). به این ترتیب مفاهیم حساس پژوهش عبارتند از:

۱. مشکل: مفهوم حساس اصلی تحقیق است. در برخی ترجمه‌ها معادل واژه انگلیسی Social Problem، مشکل اجتماعی مطرح شده و حتی در برخی فرهنگنامه‌ها بدون توجه به یکسان بودن معادل انگلیسی، دو واژه مسائل اجتماعی و مشکلات اجتماعی به صورت مجزا تعریف شده اند (سهراب زاده، ۱۳۸۹). صرف‌نظر از تفاوت دیدگاه‌ها در نام‌گذاری مسائل اجتماعی، فصل مشترک همه این مسائل در آن است که همه آن‌ها پدیده‌هایی نامطلوب بوده و افکار عمومی جامعه و نخبگان را به خود مشغول داشته، به گونه‌ای که نوعی وفاق و آمادگی جمعی برای مهار آن‌ها پدید آمده است (عبداللهی، ۱۳۸۳: ۱۱). به اعتقاد رابرت مرتون<sup>۱</sup> مشکل اجتماعی عبارت است از تفاوت فاحش میان آرمان‌های جامعه و وضع موجود آن (رفیعی، ۱۳۸۰: ۸). بر اساس این تعریف برای شناخت مشکلات اجتماعی ابتدا باید آرمان و ارزش‌های جامعه را شناخت تا بتوان موارد مغایر با آن را به عنوان مشکل اجتماعی، مورد نظر قرار داد. طبق تعریف قابل قبول تری مشکل اجتماعی وضعیتی است که به اعتقاد بسیاری از افراد جامعه (نه الزاماً اکثر آن‌ها) کیفیت زندگی یا مهم‌ترین ارزش‌های آن‌ها را خدشه‌دار می‌کند، علل یا عواقب اجتماعی دارد و برای حل آن‌ها باید به اصلاح سیاست‌های اجتماعی پرداخت (رفیعی، ۱۳۸۰: ۱۲). طبق این تعریف به طور کلی چهار معیار مهم برای تشخیص مشکلات اجتماعی مطرح شده است: ۱. تعریف گروهی و اجماع اکثر افراد جامعه، ۲. اثر منفی بر کیفیت زندگی یا مهم‌ترین ارزش‌های مورد توافق جامعه، ۳. وجود علل و عواقب اجتماعی، ۴. لزوم اصلاح سیاست‌های اجتماعی برای حل آن.

۲. نقش: مفهوم کلیدی است که افراد را به ساختار اجتماعی پیوند می‌دهد و به دلیل همین تأکید، نظریه‌پردازی نقش اهمیت یافته است (ترنر<sup>۲</sup>، ۲۰۱۲: ۳۸۳). هر نقش مجموعه‌ای از مجوزها، وظایف، انتظارات، هنجارها و رفتارهایی است که یک فرد با آن روبرو می‌شود یا انجام می‌دهد (هیندین<sup>۳</sup>، ۲۰۰۷: ۳۹۷۰). زنان به دلیل زن بودن خود نقش‌های متعددی دارند و این مساله دشواری‌هایی را در زندگی برایشان پدید می‌آورد. چنانکه ترنر هم اشاره دارد، کنشگران مایل‌اند فشار نقشی را که زاییده‌ی تناقض نقش، تضاد نقش، عدم کفایت نقش است کاهش دهند و خشنودی‌های کفایت بالای نقش را زیاد کنند (گرایش به رفع فشار نقش) (ترنر، ۲۰۱۲: ۳۸۹).

۱ Robert Merton

۲ Turner

۳ Hindin

در ادبیات مرتبط، این موضوع که زنان در بخش‌های مختلف زندگی خود موقعیت نابرابری را تجربه می‌کنند، به شکل‌های مختلف بیان شده است. هندرسون<sup>۱</sup> به نقل از کی<sup>۲</sup> (۱۹۹۸) بیان می‌کند که زنان همچنان میزان نامتناسبی از کار خانه را انجام می‌دهند و یا تامپسون<sup>۳</sup> (۱۹۹۵) اظهار می‌دارد زنان بیشتر محتمل است که فراغت شان را حول مسئولیت‌های خانواده مستقر کنند، در حالی که مردان محدودیتی برای فراغت شان قائل نمی‌شوند و در این خصوص لارسون<sup>۴</sup> و همکاران (۱۹۹۷) معتقدند مادران اغلب تجربه دلپذیری از فراغت خانوادگی ندارند زیرا نمی‌توانند خود را از وظایف و مسئولیت‌های مراقبت کننده بودن جدا کنند (هندرسون، ۲۰۰۲: ۲۶۳). برناردز<sup>۵</sup> (۱۳۸۴) هم به این موضوع اشاره دارد که در حال حاضر قدرتی که در خانواده وجود دارد بیانگر این است که اجرای تمام کارهای مراقبت از فرزندان و کارهای خانه توسط زنان است و از سوی دیگر مردان در کارهای مزدی و بسیاری از مقام‌های اقتداری تفوق دارند (برناردز، ۱۳۸۴: ۲۰).

۳. قلمرو عمومی / خصوصی: قلمرو عمومی شهر، به مجموعه فضاها یا مکان‌ها یا محیط عمومی شهر گفته می‌شود که اهل شهر و مسافران یا گردشگران حاضر در آن‌ها، به دلایل مختلف در آن‌ها حضور می‌یابند. بارزترین ویژگی قلمروهای عمومی مورد نظر آن است که همه مردم بدون محدودیت زمانی، جنسی، قومی، نژادی، فکری، اجتماعی، ثروت و هر عاملی که باعث گروه‌بندی مردم شود، امکان دسترسی و حضور در آن‌ها را دارند (ایسنا، ۳۱ اردیبهشت، ۱۳۹۷) در برابر قلمرو عمومی، قلمرو خصوصی چارچوب خانواده و مناسبات خانوادگی را شامل می‌شود.

### روش پژوهش

زندگانی روزمره، خود را به عنوان واقعیتی به نمایش می‌گذارد که به وسیله آدمیان تعبیر و تفسیر می‌شود؛ و از لحاظ ذهنی به منزله دنیایی به هم پیوسته و منسجم برای‌شان معنادار است. دنیای زندگی روزمره نه تنها، از جانب اعضای عادی جامعه در جریان ذهنی معنادار زندگی‌شان به عنوان واقعیت مسلم فرض می‌شود؛ بلکه دنیایی است که به پیدایش اندیشه‌ها و اعمال آنان می‌انجامد و به اعتبار همین چیزها، واقعی انگاشته می‌شود (برگر و لوکمان<sup>۶</sup>، ۱۳۷۵: ۳۳-۳۴). با عنایت به موضوع مطالعه، تحقیق حاضر در پارادیم تفسیرگرایی و به روش کیفی انجام شده است زیرا مطالعه تحقیق کیفی امکان درک عمیق تری از دیدگاه، تجربه و نگرش جامعه مورد بررسی را به ما می‌دهد. تحقیق با اتکا به رویکرد امیک که از پایه‌های اساسی رویکرد کیفی بوده و بر درک و تفسیر افراد درگیر در موضوع یا پدیده مورد بررسی تأکید دارد، انجام

۱ Henderson

۲ Kee

۳ Thompson

۴ Larson

۵ Bernards

۶ Burger & Luckman



شده و با استراتژی استقهامی به موضوع مطالعه‌ی خود پرداخته است. استفهام در این فرایند حرکت از توصیف‌های عامیانه به سمت توصیف‌های فنی و علمی است (بلیکی<sup>۱</sup>، ۱۳۸۴: ۱۵۵). به این منظور رهیافت مناسب برای پژوهش درخصوص اینکه افراد چگونه جهان فردی و اجتماعی شان را می‌فهمند، تحلیل پدیدارشناسی تفسیری است که بر تجربه‌های دست اول کنشگران تأکید می‌کند، چنانکه اندیشمندان این حوزه هم از پدیدار شناسی به عنوان مطالعه پدیده‌ها به عنوان امری تجربه شده نام می‌برند (ریچر و رایبسنون<sup>۲</sup>، ۲۰۰۲). این نوع از تحلیل درصدد درک لایه‌های عمیق معنایی تجربه‌های زیسته افراد درباره یک مفهوم و پدیده است (محمدپور، ۱۳۹۰: ۸۶) و با گزارش‌های ذهنی افراد سرو کار دارد و پژوهشگر می‌کوشد تا جهان شخصی مشارکت کنندگان را تا جایی که امکان دارد بررسی کند. نظر پاتون هم مؤید این موضوع است که در روش پدیدارشناسی تمرکز اصلی مصاحبه بر تجربه مردم و چگونگی تفسیرشان از جهان است (کاکولو<sup>۳</sup> و همکاران، ۲۰۰۹). چنین تحقیقی فاقد چهارچوب نظری از پیش تعیین شده و فرضیه‌های مبتنی بر آن است (محمدپور، ۱۳۹۰: ۹۷).

برای انجام مصاحبه، بیست و پنج نفر از زنان ساکن در سکونت گاه غیر رسمی مشهد (منطقه التیمور)، به طور هدفمند و با منطق نمونه‌گیری نظری بر اساس ویژگی‌های اجتماعی و زمینه ای متنوع افراد نمونه و قابلیت آنان در روشنگری یافته‌ها انتخاب شدند و به کمک مصاحبه نامه نیمه ساخت یافته با آنان مصاحبه شد. طبق قاعده اشباع، مراحل جمع آوری داده‌ها و تحلیل آنها به صورت همزمان تا دستیابی به اشباع داده‌ها ادامه یافت تا امکان کشف، بازآفرینی و تفسیر داده‌ها فراهم گردد. برای نظم دهی و تحلیل داده‌ها، پس از پایان هر مصاحبه محقق، صوت گفتگوی مصاحبه گر و مصاحبه شونده را پیاده کرده و هر مصاحبه را که انبوهی از داده‌های خام بود به یک نوشتار تبدیل کرد. متن مصاحبه به گزاره تبدیل شد و گزاره‌ها کدگذاری شدند. مراحل تحلیل اینگونه بود که پس از انجام هر مصاحبه، داده‌های ضبط شده، پیاده سازی و به متن تبدیل می‌شد و مراحل کدگذاری و طبقه بندی و تحلیل داده‌ها با استفاده از نرم افزار maxqda انجام شد. در تحلیل تماتیک انجام شده، پس از مکتوب نمودن کامل اطلاعات ضبط شده تمام جملات سطر به سطر کدبندی شدند و سعی بر آن بود که مفهوم اصلی از دل جملات ابراز شده توسط مشارکت کنندگان بیرون کشیده شود و در قالب مفهومی تقلیل یافته تر ارائه شود. در نهایت به صورت نظام مند، واحدهای معنایی، مضمون‌ها و زیر مضمون بدست آمد و اتصالات و روابط بین مضامین و انتزاع و ارتباط با مفاهیم نظری صورت گرفت.

حساسیت به ملاحظات اخلاقی در تمامی مراحل پژوهش مد نظر بود. این ملاحظات به ویژه از این منظر بود که اطلاعات شخصی مصاحبه شونده‌گان که گویای جزئیات زندگی آنها بود مورد سؤال قرار

۱ Blaki

۲ Racher & Robinson

۳ Kakulu

می‌گرفت و از آنها خواسته می‌شد زمان قابل توجهی را برای پاسخگویی به سؤالات اختصاص دهند. برای اعتبار پژوهش از ملاک تشخیص خارجی (که مستلزم تعیین دو داور برای ارائه نظر و مطالعه مصاحبه‌ها است) (محمد پور، ۱۳۹۲: ۱۶۸) و پیوستگی اسناد و مدارک (برقراری ارتباط روشن و معنادار بین سؤال‌های پژوهش و داده‌های خام و یافته‌ها و نتیجه‌گیری نهایی توسط فردی دیگر) (گال<sup>۱</sup> و همکاران، ۱۳۸۴: ۱۰۰۵-۹۹۵). استفاده شد. علاوه بر آن چنانکه (جانسون و کریستینسن<sup>۲</sup>، ۲۰۰۸، به نقل از محمدپور، ۱۳۹۲) نیز مطرح می‌کنند به توصیف‌گرهایی با استنباط پایین (نقل قول‌های مستقیم مصاحبه‌شوندگان) در متن مقاله اشاره شد و بالاخره به توصیه جانسون در خصوص تمامیت زمینه‌ای (تعداد مشارکت‌کنندگان، ترتیب زمانی حوادث، وقایع مهم و ریشه‌ای، نقش‌های متفاوت زنان در زندگی، توجه به مشکلات در عرصه‌های خصوصی و عمومی و...) سعی در تامین اعتبار نتایج گردید. علاوه بر در نظر داشتن موارد فوق، هدف محقق دستیابی به واقع‌نمایی به عنوان سبکی از نوشتار بود. سبکی که خواننده را از نزدیک به دنیای شرکت‌کنندگان در تحقیق آشنا کند و به وضوح آن را احساس کند.

#### یافته‌ها

##### توصیف ویژگی‌های نمونه تحقیق

در این محله با بیست و پنج نفر از زنان متأهل شاغل و یا خانه‌دار در سنین مختلف ۲۰ تا ۶۰ سال مصاحبه شد. به لحاظ ویژگی‌های اجتماعی جمعیتی، تحصیلات مشارکت‌کنندگان شامل ۳ نفر بی‌سواد، ۷ نفر ابتدایی، ۶ نفر راهنمایی، ۵ نفر دیپلم و ۴ نفر لیسانس بود. از مجموع مصاحبه‌شوندگان، بیست نفر خانه‌دار و پنج نفر شاغل (آرایشگر، خیاط، دارنده سوپر مارکت) بودند. یکی از معیارها برای انتخاب زنان، معیار وضعیت اقتصادی خانواده بود و براین اساس محقق با زنان در سطوح مختلف اقتصادی وارد گفتگو شد.

##### زنان مصاحبه‌شونده چه درکی از مشکلات خود دارند؟

پرسش نخست محققان این بود که زنان مصاحبه‌شونده چه درکی از مشکلات خود دارند؟ در اینجا دوگانه‌ی قدرگرایی/ خردگرایی مورد پرسش محققان بوده است به این معنا که آیا زنان مورد بررسی تبیینی اراده‌گرایانه از مشکلاتشان دارند و بر نقش خود در بروز وضعیت فعلی شان تأکید می‌کنند یا اینکه رویکردشان به مسائل و مشکلات قضا و قدری است. فرهنگ قضا و قدری سیر امور اجتماعی را از حد تصرف خود خارج می‌بیند و معمولاً از کل مسئولیت فردی و اجتماعی دست می‌کشد و اداره امور اجتماع را به دست عوامل ماورایی و می‌گذارد (رضا قلی، ۱۳۷۷: ۲۸). البته این نوع قدرگرایی می‌تواند ماهیت

<sup>۱</sup> Gall

<sup>۲</sup> Johnson and Christensen

اجتماعی داشته باشد به این معنا که زن، خود را اسیر نیروهای اجتماعی ای می‌بیند که خارج از اراده او، سرنوشتش را رقم می‌زنند. این باور بخشی از قلمرو فرهنگ عامه است.

ز، ۲۳ ساله، می‌گوید: "انگار برامون جا افتاده که مقصر هستیم. ما هم می‌گیم مقصریم. مثلاً شوهره مشکل داره ما باید تحملش کنیم. باید باهاش کنار بیاییم... باید یعنی بچه رو اگر مشکل داره تر و خشک کنیم و دکتر دوا کنیم. یک جوریه باید بیه. باید حتماً انجام بدیم. بیشتر از وظیفه مون از مون توقع دارن."

در موارد متعددی پاسخگویان خانواده‌ی خود یا همسر را در وضعیت فعلی‌شان مقصر می‌دانستند.

ر، ۳۱ ساله، خانواده اش را مقصر می‌داند: "چون نگذاشتن درس بخونم. چون چند تا روستای بالاتر باید می‌رفتم درس می‌خوندم، اجازه ندادن درس بخونم. باعث شد کمتر تو اجتماع باشم. سواد کمه. مثلاً فکر می‌کنم به خاطر سوادم، مدیریتم پایینه و توانمندیم پایینه."

ع، ۳۹ ساله: "یکی از پولداری زیاد می‌افته تو این برنامه و یکی هم از ضعف ریاده. چندین سال پیش تو روستامان برای خیری که یک دبستان اونجا درست کرده بود نامه نوشتیم که مدرسه راهنمایی بسازه. چون دوست داشتیم درس بخونم. اما پدر مادرم می‌گفتن نه. من حتی مدیر مدرسه از مادرم خواهش کردن منو رو بفرستند مدرسه نمونه دولتی تربت حیدریه درس بخوانم. اما مادرم و پدرم گفتن نه. ما دخترمان رو بفرستیم شهر غریب... تو رسم و رسوم ما هم هست که پسر از دختر بهتره. دختر رو یک تیکه جدا بافته می‌دونن. تو خانواده خودمون مثلاً چهار تا پسر هست. مادرم به کوچیکه خیلی رسیدگی کرد. من خودم آواره زندان‌ها شدم."

در برابر زنانی که مشکلاتشان را به خواست خدا یا دیگران ربط می‌دادند برخی زنان مصاحبه شونده تصمیمات خودشان را در ایجاد مشکلات پررنگ می‌دیدند. مثلاً پ، ۴۷ ساله و آرایشگر در پاسخ به این سؤال که چه کسی این مشکلات را بوجود آورده است، می‌گوید:

"خودم. چون خودم رفتم مواد مخدر زدم. مشکلات رو خودم بوجود آوردم. چرا به گردن خدا بندازم. چرا به خدا فحش بدم. این مشکلات رو خودم پیش آوردم."

و، ۳۶ ساله نیز می‌گوید: "در مورد شوهرم و طرز فکرش مقصر خودم بودم. اول اینکه سن پایین ازدواج کردم. ۱۵ سالگی. عقلم به این چیزها نمی‌رسید که در موردش تحقیق کنم و مشورت کنم. الان می‌فهمم چی به چیه. الان هم با سه تا بچه بخوای کار به دعوا می‌کشه. پس مجبوری باهاش کنار بیایی. من می‌تونستم تحقیق کنم و بفهمم که طرز فکرش و عقایدش مثل من نیست و باهاش ازدواج نکنم. اما اون موقع به این چیزها اصلاً فکر نمی‌کردم. بچه بودیم دیگه."

زنان مصاحبه شونده چه نوع مشکلاتی را روایت می‌کنند؟

سؤال دوم تحقیق فهم مشکلات زنان حاشیه‌نشین به روایت خود آنان بود. بر اساس مصاحبه‌های عمیق انجام شده با زنان، مسائل آنان به دو قلمرو خصوصی و عمومی تفکیک شد. حوزه خصوصی، قلمرو خانواده و مناسبات خانوادگی را در بر می‌گیرد و حوزه عمومی، شامل عرصه همسایگی و محلی می‌شود،

هرچند که دو قلمرو قابل تفکیک از یکدیگر نیستند و این دسته‌بندی صرفاً برای ارائه تصویری روشن‌تر از مشکلات صورت می‌گیرد.

۱. مشکلات در قلمرو خصوصی: مشکلات موجود در قلمرو خصوصی به موقعیت زن در چارچوب خانه مربوط می‌شود. در علم جامعه‌شناسی، منظور از موقعیت اجتماعی، وضعیت فرد نسبت به اشخاص دیگر در یک گروه اجتماعی است (صدیق اورعی و همکاران، ۱۳۹۹: ۱۳۴).

#### ❖ مشکلات در نقش همسری

خشونت خانگی علیه زنان شکلی از خشونت است که در آن زن صرفاً به علت زن بودن و بی‌قدرتی در برابر شوهر مورد اعمال زور و تضييع حق قرار می‌گیرد. علیرغم ماهیت اجتماعی خشونت‌های خانگی، جامعه و حتی خود زنان خشونت‌دیده، آن را امری مربوط به حوزه خصوصی تلقی می‌کنند و لذا این پدیده بازتاب عمومی محدودی دارد. اشکال اصلی خشونت خانگی شامل خشونت فیزیکی و روانی است که در طیفی از تمایل، تهدید و اقدام به خشونت ظاهر می‌شود. خشونت را می‌توان به دو دسته آشکار و پنهان تقسیم کرد و در تعریف هر یک از آنها گفت: خشونت آشکار، خشونتی است که به ضرب و شتم و کتک و تهدید و دشنام می‌انجامد در حالی که خشونت پنهان گاه از نظر اقتصادی و گاه از بعد روانی اعمال شده و مسأله‌ساز می‌شود. در مورد خشونت‌های پنهان نیز می‌توان گفت که خشونت‌های پنهان روانی، به نوعی مخرب‌تر و بدترند و شامل نگاه شهوانی، طرد شدن، نادیده‌انگاری، طلاق، ترک همسر، انگ زدن، افتراء، محرومیت جنسی و ... می‌شوند. خشونت‌های اقتصادی نیز تحمیل محرومیت مالی، درآمد کم، بیکاری و شغل کاذب را در برمی‌گیرد. اشکال مختلف خشونت بدنی تجربه‌ای است که بسیاری از زنان مصاحبه‌شونده روایت کردند.

خ، ۴۰ ساله می‌گوید: "خیلی داد می‌زنه. اعصابش خرده. زود عصبانی می‌شه. اگر خیلی بهش فشار بیاد یک چیزی پرت می‌کنه و بعدش هم کتک می‌زنه. خیلی شاخ و شونه می‌کشه... بچه‌ها رو خیلی محکم می‌زنه. یا هولشون می‌ده."

الف، ۴۹ ساله می‌گوید: "اصلاً نمی‌فهمه... پسر کوچکم هم شکمم بود منو با چوب زد. رفتم بیمارستان امدادی. وقتی بلند شدم. پرستار گفت چی شده؟ گفتم اینجا کجاست. اصلاً نمی‌دونستم کجاست. اصلاً نفهمیم چطور شده منو بیمارستان آوردن. بیهوش شده بودم. از همون موقع سرم درد می‌کنه"

زنان مورد مطالعه بیش از خشونت فیزیکی با انواع خشونت روانی و عاطفی روبرو هستند. ب، ۲۹ ساله و خیاط می‌گوید: "شوهرم خیلی بد دهنه. اصلاً حرف که می‌زنه بد دهنه خوب هم حرف می‌زنه بد دهنه، اینقدر نگران آینده بچه‌ام هستم که حد نداره. فحش نامربوط می‌ده."

ف، ۵۰ ساله و خانه‌دار می‌گوید: "فحش‌های بدی می‌ده که نمی‌شه به زیون بیارم. با اینکه اعتیادش رو گذاشته کنار بد دهنه. بد دهنی رو از همون اول ازدواج داشت ولی الان خیلی بیشتر شده. خودش هم دلپیش رو نمی‌دونه عادتشه... گشنگی رو تحمل می‌کنم. همه چیز رو تحمل می‌کنم. اما از هیچ چیز به اندازه بد دهنی بدم نمیداد. خیلی رنج می‌برم".

تحقیق کردن و محرومیت عاطفی به شکل قطع ارتباط با نزدیکان، شکل دیگری از خشونت روانی گزارش شده توسط مصاحبه‌شوندگان است.

ر، ۳۶ ساله می‌گوید: "وقتی عصبانی می‌شه، می‌گه اگر عید خونه بابات بردمت؟ اگر من اجازه دادم اونها بیان تو خونه من؟ هیچ وقت هم اجازه نداده. ولی خوب زمانی که اون نبود می‌اومدن و می‌رفتن. چیزی نمی‌گفت. ولی الان می‌گه کلا نیان دیگه. الان که گفته حق نداری اسم پدر و مادرت رو بیاری. تا پسر اسم خانواده ام رو میاره بهش می‌گه خفته شو دهنه رو ببند".

ع، ۳۹ ساله می‌گوید: "مسخره زیاد می‌کنه مثلاً می‌گه تو بی‌سوادی. بعضی وقت‌ها طعنه می‌زنه و می‌گه چیزی یاد نگرفتی. تحقیق می‌کنه".

همچنین تحلیل مصاحبه‌ها نشان داد که یک مشکل به شدت آزاردهنده زنان سوء ظن و بدبینی همسرانشان است.

م، ۴۴ ساله می‌گوید: "یک بار پیش اومد به همسایه بغل دستیمون گفتیم جوازشو بگذاره. اونم جوازشو گذاشت. حالا برای ادب و احترام رد می‌شدیم برای این کاری که انجام داده یک سلامی می‌کردم. می‌گفت تو برای چی سلام کردی؟ به تو چه ربطی داری به این مرد سلام می‌کنی؟ بدبین شده بود حسابی".

ب، ۲۹ ساله و خیاط: "وصله نامربوط می‌چسوبه. تهمت می‌زنه. مثلاً الان اومدم بیرون. بهم می‌گه رفتی بیرون حالا میایی سرمن خالی می‌کنی".

خرده‌گیری و فشار انتظارات زیاد شوهر نیز مشکلی است که برخی زنان در منزل با آن روبرو هستند.

ر، ۳۶ ساله می‌گوید: "مثلاً می‌گه مگر این لباس رو با این تسوار می‌پوشن؟ این رنگ رو با این رنگ می‌پوشن؟ باید اینو ست کنی. باید اینجوری آرایش کنی. خوب منم نمی‌تونم. بلد نیستم".

خ، ۴۰ ساله: "تو خانه بیشتر توقع رو از من داره و بچه‌ها. توقع داره خیلی تحویلش بگیریم. اگر داد زد هیچی بهش نگیم. هر رفتاری کرد ما گذاشت داشتته باشیم. توقعش از ما زیاده. اینجور که با مردم هست با ما نیست".

محروم‌سازی اجتماعی و جلوگیری از رشد فردی و اجتماعی زن یکی از مهم‌ترین و رایج‌ترین اشکال از استفاده از نیروی اجبار و تحمیل خشونت روانی از سوی شوهر است.

م، ۲۷ ساله و سرپرست خانوار می‌گوید: "خیلی حساس بود. اون موقع هم من آرایشگری رو خیلی دوست داشتمم گفتم بگذار برم، گفت نه. گفتیم درس رو بخونم گفت نه. گفت فقط می‌شینم تو خونه و کارهای خونه رو می‌کنی. خوب به هیچ جا نرسیدم."

الف ۳۱ ساله، می‌گوید: "اول دبیرستان بودم. دو سال تو عقد بودیم و شرط کردم و درس رو خوندم. اما برای کنکور و اینها گفت نه. اون موقع که بچه دار شدم دانشگاه می‌رفتم و بعدش نتونستم برم سرکار. اونجا بهم گفته بود می‌گذارم بری سرکار. چون مجرد هم که بودم سرکار می‌رفتم. با اینکه خودتس هم توافق کرده بود."

شکل دیگر محروم سازی از سوی شوهر، بی تفاوتی و بی مسئولیتی مرد در برآوردن نیازها و خواسته‌های اقتصادی زن و خانواده است.

ر، ۳۵ ساله می‌گوید: "می‌گه تو آرزو داری همچی کفشی داشته باشی، آرزوت رو باید به گور ببری. تو فکر نکنی من اینو برات می‌خرم. من هیچ وقت اینو برات نمی‌خرم. یا می‌گه اون روسری که برات خریدم، اون صدقه سر بچه‌ها بود. مثلاً یک ماه پیش خریدم. تو ارزش اینو نداری که برات چیزی بخرم."

ب ۴۱ ساله می‌گوید: "الان دو ماهه که سر کار نمی‌ره. تو خونه اس... یک روز بره سرکار روزی صد و پنجاه داریم. اگر هر روز بره سرکار درآمد خوبی می‌تونه داشته باشه. اعتیاد هم نداره. عادت کرده به تنبلی."

#### ❖ مشکلات در نقش مادری

نقش مادری بزرگ‌ترین رویداد تکاملی زندگی یک زن است. زنان در این نقش نگرانی و درگیری‌های ذهنی بی شماری را تجربه می‌کنند. رابطه مادر و فرزند در ایجاد احساس امنیت در فرزند و رشد انواع مهارت‌ها، ارزش‌ها و سازگاری‌های اجتماعی کمک می‌کند و با ایجاد پندارهای اولیه از زندگی، رفتار او را در بزرگسالی تحت تأثیر قرار می‌دهد. تعامل مادر و فرزند در مراحل مختلف دستخوش تغییراتی می‌شود و اوج این دگرگونی زمانی است که فرد به مرحله نوجوانی و جوانی می‌رسد. زنان در موقعیت مادری دغدغه‌های گوناگونی را تجربه می‌کنند از جمله موضوع اشتغال فرزندان که یکی از دغدغه‌های اصلی زنان مصاحبه شونده بوده است.

ب ۵۸ ساله، خانه‌دار: "الان ۱۸ سالشه تا کلاس نه. یا ده نیم کاره گذاشت و دیگه نرفت. آرایشگاه یکی دوسالی گذاشتیم رفت و گفت بهم یاد نمی‌دن، اون رو ول کرد. رفت باز ساندوچی یک سالی کار کرد اونم گذاشت کنار و باز نرفت. چند وقتی بیکار بود و باز چند ماهی رفت بنایی. باز الان بنایی هم نمی‌ره و می‌گه هوا سرده نمیرم بنایی."

در مورد نگرانی نسبت به مسائل اخلاقی و رفتاری فرزندان، م. ۴۳ ساله، می‌گوید:

"یکبار اومدن خونه خبر دادن که پسر داره سیگار می‌کشه. منم می‌رفتم سرکار. بهش می‌گم پسر جان کار اشتباه نکنی. می‌گه چیه مامان بهم شک داری؟ درحالیکه خودم یقین پیدا کردم."

نمی‌تونم واضح بهش بگم. بچه‌ها رو می‌خوام از این محل دور کنم... نگرانم برای پسرم که ۱۲ سالشه"

همچنین ع ۳۸ ساله می‌گوید: "آخر التیمور فضا خیلی بازه. مدرسه هستش و چند تا خانه خرابه. جوان‌ها می‌رن همونجا. حالا یا یک چیزی می‌خورن یا یک چیزی می‌کشن. یا کاری انجام می‌دن. پدر مادر نمی‌تونن یکسره دنبال اینها راه بیوفتنه. بخصوص که ماشینی و موتور هم داشته باشن. حالا یکی دوبار بری دنبالشون که ببینن که دیگه واویلایه که شما داری منو تعقیب می‌کنی. چرا دنبال من راه افتادی؟ مگر من بچه‌ام؟"

مشکل جدی دیگری که زنان مصاحبه شونده درگیر آن هستند، ناتوانی در برقراری ارتباط موثر با فرزندان است. در این حالت پیام‌های کلامی و غیر کلامی توسط طرفین درک نمی‌شود و گاه کار به خشونت و تنبیه می‌رسد.

پ ۴۹ ساله: "به خدا اگر این دوقلوها آزارم ندن اینقدر اروم، صبر دارم. ولی یک هفته‌ی که من رو نابود کردن... نمی‌دونم با بچه بزرگم چطور رفتار کنم. می‌گه شما اگر مادر بودی دوقلو نمی‌آوردی. چون که معتاد بودی. غلط کردی آوردی می‌خواستی بچه نیاری. می‌دونستی به نون شبت موندی. می‌خواستی بچه نیاری دو قلو دوقلو میاری... با اینها چی کار کنم."

ر ، ۳۱ ساله می‌گوید: "بچه‌ام یک سؤالی ازم می‌پرسه من واقعا نمی‌دونم چطوری جوابشو بدم... مثلاً پسرم ۱۳ سالشه تو سن بلوغه. یک کارهایی می‌کنه تو خونه. می‌خواد جلب توجه کنه. نمی‌تونم باهاش رابطه برقرار کنم. از اینکه نمی‌تونم رابطه برقرار کنم از خودم ناراحت می‌شم بعد تلافیش رو سر همون بچه درمی‌یارم."

آگاهی والدین نسبت به نیازهای اساسی فرزندان مهمترین تأثیر را بر سلامت روان فرزندان دارد. نتایج مطالعه حاضر نشان می‌دهد یکی دیگر از مشکلات زنان در خانواده که عمدتاً ناشی از تنگناهای اقتصادی است، ناتوانی در تامین نیازها و خواسته‌های مادی فرزندان است.

در این رابطه پ، ۴۹ ساله می‌گوید: "دو قلوها خواسته‌هاشون زیاده و منم نمی‌تونم خواسته‌هاشونو برآورده کنم. شکم اینها رو سیر کنم یا پوتساک و کفش شون رو تهیه کنم؟... مثلاً همین دیروز یک هزاری نداشتم خرج کنم... آنقدر روی افکار من هستند و اینقدر روی مخ من کار می‌کنن و من رو خسته می‌کنن که نگم... من پول ندارم هزینه اینها رو بدم."

م، ۴۳ ساله و سرپرست خانوار هم گله دارد و می‌گوید: "دیروز پسرم اومده می‌گه پول بده برم کاپشن بخرم. می‌گم ندارم. سرو صدا کرده و قهر کرده و ناهار نخورده. خوب از کجا بیارم... الان یک سره روی سرم منت دارن که تو برای ما کم وقت می‌گذاری."

مشکلات در نقش زن خانه‌دار

• خادم نامرئی خانه

خانه‌داری شغل مهمی است و زنان به سبب نقش خانه‌داری در منزل، وظایف نهادی شده‌ای را بر دوش می‌کشند و در قبال این وظایف، هیچگونه امتیازی دریافت نمی‌کنند. این موضوع در بلند مدت منجر به سرخوردگی شده و باعث می‌شود که زنان همواره فشار مضاعفی را تجربه می‌کنند. به نظر می‌رسد زنان شاغل، علاوه بر مشکلات و مسائلی که در محیط کار با آن روبه‌رو هستند در مقایسه با زنان خانه‌دار، از فشار مضاعفی رنج می‌برند. برای مثال، مطالعات نشان می‌دهد زنان متأهل شاغل، به همان نسبت که زنان خانه‌دار درگیر مسائل خانه‌داری هستند، در خانه کار می‌کنند (اکلی، ۱۹۷۲، به نقل از صادقی فسایی و مقدم، ۱۳۹۲: ۲۸۳). از نظر برخی زنان مصاحبه‌شونده، دیگران آنها را خدمتکار یا کارگر خانه می‌دانند که تنها باید خدماتی را به خانواده ارائه دهند و اینگونه، احساس تحقیرشدگی به زن القا می‌شود.

م، ۴۰ ساله می‌گوید: خیلی کمبودها رو احساس می‌کنم. مثلاً تو خونه که چی جویری بگم به عنوان کلفتیم. هر کاری انگار وظیفه منه و باید انجام بدم. خانواده ام همکاری ندارند می‌گن وظیفه تو هست و باید انجام بدی. از نسیب شو و پخت و پز و دوخت و دوز و هرکاری."

#### • فشار نقش

زنان شاغل که در بیشتر موارد به‌طور همزمان سه نقش همسری، مادری و شغلی را دارند، با انتظارات نقشی متفاوتی روبه‌رو هستند که باید قادر به پاسخگویی به همه آنها باشند. این احتمال وجود دارد که آنها با محور قراردادن الزامات یک نقش، برآورده کردن انتظارات نقش‌های دیگر را در حاشیه قرار دهند یا به ایفای انتظارات ایجابی اکتفا کنند؛ اما آنچه مسلم است در جامعه ایران سطح و حجم وظایف و انتظارات ناشی از نقش‌های خانوادگی از سطح و حجم مسئولیت‌های ناشی از نقش‌های شغلی بیشتر است (صادقی و شهبابی، ۱۳۹۸: ۹۲).

ب، ۵۵ ساله و سرپرست خانوار می‌گوید: "من چقدر می‌تونم کار کنم. بیست سال یا به جفت با بیسرم و شوهرم کار می‌کردم. دیگه نمی‌تونم. اون روز یک زنه میگه هم تو خانها کار کنی، روزی صدتومن می‌گیری. خوب من نمی‌تونم یا ندارم. نمی‌تونم خم و راست بشم. ارتروز دارم و روما تیسیم دارم."

ک، ۴۸ ساله: "شوهرم یک کم ناراحتی اعصاب داره یک کم. خودم که کمرم رو که عمل کردم ناراحتی اعصاب پیدا کردم. دیسک کمر داشتم و پای راستم کلاً ناقص شده بود و می‌لنگیدم و راه می‌رفتم. فلج شده بود. عمل کردم بهتر شده اما استراحت که نکردم بازم درد می‌کنه. فیزیوتراپی ده جلسه نوشته و گفته باید بری. چند سال درد می‌کرد دیگه شدت گرفت. کارهای خانه رو انجام دادم و فرش و اینها رو شستم دیگه کلا زد بالا دیسکم و به خاطر همین عمل کردم."



در مورد برخی برخی زنان مشارکت کننده، علاوه بر وظایف معمول منزل یا کار در بیرون، پرستاری و مراقبت از همسر و فرزند بیمار نیز منشأ فشار مضاعف بوده است. تیمارداری از وظایف نانوشته زن در خانه است، وظیفه‌ای که با اضطراب و فشار عصبی همراه است.

پ ۴۹ ساله، خانه‌دار می‌گوید: "شوهرم مریضه. درکتس می‌کنم. زیاد فشار نمی‌ارم که بره بشینه مواد بزنه. اگر پول نداشتنه باشه و بگه پول ندارم می‌گم ای شوهر جان، خدا می‌رسونه".  
ب ۴۰ ساله می‌گوید: "دکترها متوجه نشدن که این بچه عادی نیست. سه ماهگی که حالش بد شد و نفسش قطع شد. گریه می‌کرد. لب و صورتش سیاه شد. داداشم بهش تنفس مصنوعی داد و ماساژ قلب داد. دیگه از همون سه ماهگی تا پنج سالگی اگر تب کرد چون سابقه تشنج داره، تشنج می‌گیره بهش نصفی دیازپام می‌دادم با شیاف. همیشه دیازپام و شیاف تو کیفم بود و همراه من بود. تا تب می‌کرد بهش می‌دادم".

۲- مشکلات زنان در قلمرو عمومی: در دو دسته اصلی قرار می‌گیرند که شامل کیفیت روابط همسایگی و ناامنی محله‌ای است.

#### ❖ روابط همسایگی

روابط همسایگی یکی از انواع روابط ابتدایی انسان‌های شهری است که فرصت ارتباط اجتماعی را برای ساکنان فراهم می‌آورد و از این جهت، در تقویت انسجام شهر سهم مهمی دارد (یوسفی و همکاران، ۱۳۸۸: ۱۴۳). برقراری روابط اجتماعی در محلات از نظر اجتماعی با ایجاد همبستگی اجتماعی، از نظر فرهنگی با ایجاد تعهد اخلاقی، از نظر اقتصادی با کاهش هزینه‌ها و از نظر سیاسی با ترویج شکلی جدید از سیاست‌گذاری با مشارکت مردم قادر است در جهت افزایش رفاه اجتماعی در محلات، مؤثر افتد کیفیت این عوامل، میزان پایداری آن‌ها را مشخص می‌کند (تولایی و شریفیان ثانی، ۱۳۸۲: ۹). احساس اجتماع از طریق عناصری همچون تماس احساسی مشترک، تعلق مکانی یا همسایگی، عضویت و تقویت حس مکان تعریف می‌شود. روابط همسایگی می‌تواند فرصت انجام فعالیت‌ها و بروز علایق جدید و حضور در اجتماع برای برآوردن نیازها را ایجاد کند. روایت‌های زنان مورد مصاحبه در این تحقیق بیانگر شکل‌های مختلفی از تعارض و عدم تعادل در مناسبات همسایگی است. بی‌اعتمادی در روابط یکی از مسائل مورد اشاره مصاحبه‌شوندگان بوده است.

پ ۴۹ ساله می‌گوید: "با یکی از همسایه‌ها مشکل داشتم؛ خیلی فضول بود. الان رابطه‌ام رو قطع کردم. در خانه رو قفل می‌کنم و کاری اصلاً با همسایه‌ها ندارم.... خدا نکنه یک مشکلی رو من به همسایه‌ام بگم با شوهرم دارم. در ظاهر با من همدردی می‌کنه اما بعدش سوء استفاده می‌کنه".

ق ۴۲ ساله می‌گوید: "در مورد همسایه‌ها هم فقط سلام و علیک داریم. این جور نیست که از زندگیشون پرس و جو بکنیم".

بی مسئولیتی همسایه یکی دیگر از مشکلات مورد توجه زنان شرکت کننده بوده است:

الف، ۳۱ ساله می گوید: با همسایه مشکل داریم. الان حدود سه ساله که از خونه همسایه نم زده به خونه ما درست نمی کنه هر چی هم می گی می گه از ما نیست. رفت کارشناس آورد. ما رفتیم کارشناس آوردیم گفتن مشکل از اونهاست. درست نمی کنه. این باعث نرسیده خونه به هم بریزه و مهمون بیاد خجالت بکشیم. این مساله آزارم می ده."

مزاحمت و اذیت از سوی همسایگان نیز از مواردی بوده که زنان مصاحبه شونده به آن اشاره کرده اند:

خ، ۴۰ ساله می گوید: "بچه ام اوتسیمه. تو خودتسه و به کسی کار نداره. مثلاً یک جایی نانوايي می خواد بره. من خودم می بینم. اینقدر بهش سنگ پرت می کنن، حرف های زشت بهش می زنن. یا دنبالش می کنن یا رفتارهایی می کنن باهائش که اعصابم خرد می شه. اینم برای اینکه از خودش دفاع کنه فقط داد می زنه یا فحش می ده و بهشون می گه برین گمشین!"

م، ۴۲ ساله می گوید: "پسرم می گه امنیت ندارم تو این محله. برم بیرون بچه ها اذیتم می کنند مثلاً می ره خرید بکنه بعضی موقع ها هلش می دن، گیرن از دستش و پلاستیک شو پاره می کنن. یک کاری می کنن که صدائشو دربارن و اعصابشو خرد می کنن و خیلی سر به سرش می گذارن!"

مقاومت همسایه ها در پذیرش همسایه جدید و یا احساس طرد شدگی از سوی همسایگان مساله ای

است که برخی زنان مصاحبه شونده در محل سکونت شان با آن درگیر هستند.

ف، ۳۵ ساله می گوید: "باید بشناسند. براشون منفعت داشته باشی و عادی باشی. من رو که نمی شناختن برای من سال های اول اعصاب خرد کن بود. اصلاً نمی تونستم اینجا رو تحمل کنم. روم فشار بود. نمی پذیرفتند. باهات سرد برخورد می کردن. جوری بودن اصلاً. من خودم اذیت بودم!"

همچنین خ ۴۰ ساله می گوید: "ذیر اعتماد می کنن و می شناسن.. همسایه های قدیمیه و محله کوچیکه همه دیگر رو می شناسند. وقتی جدید بیاد اون قدیمی ها حالت گارد می گیرن و یک کمی حالت تهاجمی دارن نسبت به طرف.. سه سال طول کشید که تونستم باهائون کنار بیام!"

#### ❖ ناامنی محله ای

امنیت در فضاهای عمومی از موضوعاتی است که به شدت با میزان رضایت از زندگی و حس امنیت کلی جامعه مرتبط است. نبود احساس امنیت در محل زندگی از پرتکرارترین مسائلی است که زنان آن را تجربه کرده اند. وجه ذهنی امنیت بیانگر میزان «احساس امنیت» در میان اعضای جامعه است و اینکه افراد تا چه حد خود یا ارزش هایشان را در معرض تهدید «احساس» می کنند یا بالعکس، از حس اطمینان و رهایی از هر نوع ترس و تهدید برخوردارند احساس ناامنی طیفی از عدم امنیت مالی، جانی و حیثیتی را شامل می شود.

ب، ۵۸ ساله می‌گوید: "همسایه مون شوهرش دعا نویسه، ناراحتی اعصاب دارن. روبرو خانه خودمان می‌شینن. یک روز خانمه چاقو و قیچی برداشته که من شوهرم رو بکشم. تو کوچه همسایه‌ها ازش گرفتن... الان صبح شش و نیم و یک ربع به هفت که می‌خوام برم دعای ندبه می‌ترسم، این ور اون ور نگاه می‌کنم که کسی نیست بعد سریع می‌رم که به مسجد برسم، وحشتناکه."

ن، ۴۱ ساله می‌گوید: "امنیت تو محله نیست. مخصوصاً شب‌ها. چون دزدی شده خونه مون. یک بار نردبونمون رو دزدیدن. یکی از فامیل‌های مون اومد در عرض یک ثانیه که اومد داخل موتورش رو بردن. به خاطر همین دیگه هرشب سه تا در رو قفل می‌کنم. حتی در داخل خونه رو قفل می‌کنیم."

ترس از تعرض به اموال نیز منشأ احساس ناامنی زنان مور مطالعه بوده است.

خ، ۴۰ ساله می‌گوید: "خفت‌گیری زیاده. دوست شوهرم با دو تا بچه با قرض و قوله و وام ارث پدریش و... یک نیشان گرفته کار کنه. دزدها یک جای خاکی بردنش. روشن رو پوشیده بودن و اسلحه دستشون بوده چاقو و قمه. کلی کتک زدن و جاقو زدن و گوشه‌ها و ماشین و پولشو گرفتن و رفتن."

ک، ۵۲ ساله: "تا سرخیابون می‌ری و برمی‌گردی میای می‌بینی لامپ رو دزدیدن. در اتاق رو قفل می‌کنی می‌بایی می‌بینی تو حیاط لامپ و شیر دستشویی رو باز می‌کنن می‌برن."

برخی مصاحبه‌شوندگان از نبود احساس راحتی و امنیت در محله به لحاظ اخلاقی یا حیثیتی ناراضی هستند و از توهین یا مورد مزاحمت قرار گرفتن توسط دیگران، ربوده شدن یا تعرض در محله می‌گویند.

ش، ۴۷ ساله می‌گوید: "دخترم ۸ سالش بود. یک نفر دخترم رو به زور از جلوی در مدرسه برده بود. از اون موقع بیرون نمی‌رم. با همسایه‌ها قطع رابطه کردم. به مردم هیچ کاری ندارم که چی کار می‌کنن و چی کار نمی‌کنن... خیلی ترسیدم. یک هفته همش گریه می‌کردم."

ع، ۳۹ ساله می‌گوید: "پسرهای جوانشون اذیت می‌کنن. جوریه که زن جوان کمی به خودش برسه از نظر سرو وضعش مرتب راه بره. نه اینکه آرایش کنه. این منطقه جوری هست که دنبال سرش راه می‌افتن. ادعای عشق و عاشقی می‌کنن. ولی عشق و عاشقی در کار نیست. برای یک وعده استفاده کردنشونه."

س، ۳۲ ساله می‌گوید: "از ساعت ۸ شب دیگه خیلی کم خانم‌ها بیرون هستند. چون هوا تاریک می‌شه. چون جوان‌های نابخته اینجا زیاد هستند. آدم ترس داره بره بیرون. مگر وسیله شخصی داشته باشی و بری و بیایی و گرنه پیاده اصلاً نمی‌تونی بری. مگر اینکه با خانواده باشی. یک بار سوار ماشین بودم و دو تا موتور اومدن و حالشون خوب نبود و بعد در ماشین منو باز کردن. اینقدر ترسیده بودم که دست و پام می‌لرزید."

عده‌ای هم از نبود امنیت جانی صدایشان درآمده است. این زنان از احتمال آسیب دیدن ناشی از ربودن یا مورد حمله قرار گرفتن در فضاهای عمومی محله می‌گویند.

ش، ۴۷ ساله می‌گوید: "من خودم دیگه از ساعت شش و نیم هفت دیگه از خونه بیرون نمی‌رم، حتی اگر مغازه سرکوچه باشه. چون می‌ترسم. عربده کشی می‌کنن، سرو صدا می‌شه. همین قدر سرو صدا می‌شه تو کوچه‌ها نه خودم می‌رم بیرون نه می‌گذارم بچه‌هام برن بیرون. اینجا ناامن هست."

با توجه به نتایج مستخرج از مصاحبه‌های انجام شده، مسائل اجتماعی زنان در جدول زیر خلاصه شده است.

جدول ۲: مفهوم و مضامین اصلی تجارب زنان از مشکلات در دو قلمرو عمومی و خصوصی

مضامین و زیر مضامین		مفهوم
ترس از ربه شدن اموال	احساس ناامنی مالی	قلمرو عمومی
ترس از هتک حیثیت و ناموس	احساس ناامنی اخلاقی	
مزاحمت	روابط همسایگی	
عدم پذیرش		
نداشتن حریم امن		
اعتمادناپذیری		
بی مسئولیتی	مشکلات	
کنک زدن		خشونت آشکار
اعمال محرومیت اقتصادی		خشونت پنهان
اعمال محرومیت اجتماعی		
اعمال محرومیت عاطفی		
سوء ظن و بدبینی		
خرده گیری و فشار انتظارات		
بی مسئولیتی شوهر		
اهانت و بددهنی	همسری	
نگرانی نسبت به اشتغال فرزند		مادری
نگرانی نسبت به مسائل اخلاقی و تربیتی فرزند		
ناتوانی ارتباطی		
ناتوانی در تامین خواسته‌های مادی فرزند	خانه‌داری	
خادم نامرئی خانه		
فشار نقش		
تیمارداری		

زمینه‌های بروز مشکل از نگاه زنان چیست؟

پرسش سوم مطالعه، فهم عوامل زمینه ساز مشکلات از دیدگاه زنان مصاحبه شونده بود. بر اساس تحلیل متن مصاحبه‌های انجام شده عوامل بستر ساز مسائل اجتماعی از دید زنان ذیل سه عنوان ناکارآمدی ساختارهای محلی، عوامل فرهنگی و عوامل اقتصادی دسته بندی شد.

#### ❖ عوامل ساختاری

بخشی از این ناکارآمدی به موضع تامین امنیت مربوط می‌شود.

م ۲۹ ساله، می‌گوید: "من الان پنج ساله تو این منطقه هستم لامپ نداره. شب هوا تاریک می‌شه، می‌ترسم یا مواز خونه بگذارم بیرون. هر چی گفتیم، رسیدگی نمی‌کنن."  
 ش ۳۹ ساله می‌گوید: "قضیه نا امنی رو زیاد جدی نمی‌گیرن تو این محله. خوب هر وقت بچه‌ها از مدرسه تعطیل می‌شن باید یک پلیسی چیزی دم در مدرسه باشه. وقتی پلیس باشه دیگه جرات نمی‌کنن بیان به بچه کوچیک حمله کنن."

همچنین ن، ۲۸ ساله می‌گوید: "دو تا سه تا مواد فروش هست. روبروی خونه مون هم هست. هی گرفتن و آزادشون کردن. الان من می‌شناسم با موتور میاد مواد رو می‌ده و پولش رو می‌گیره و گاز می‌ده و می‌ره. مامور هم قشنگ رد می‌شه. انگار نه انگار. می‌دونه هم داره چی کار می‌کنه."

بخشی از ساختار ناکارآمد محلی، نبود فرصت‌های محلی برای پیشرفت زنان است. زنان مصاحبه شونده از فقدان یا کمبود فرصت‌های آموزشی و شغلی ناراضی هستند که مانع از پیشرفت یا بهبود شرایط زندگیشان شده است.

م ۲۵ ساله، سرپرست خانوار می‌گوید: "من الان زبان انگلیسی رو به عنوان یک خانم آرایشگر بلد نیستم. رنگ‌هام رو که می‌خوام بگیرم. خیلی دوست دارم یاد بگیرم. اینجا کلاس نیست."  
 در مورد نبود فرصت‌های شغلی، م ۲۹ ساله، خانه‌دار می‌گوید: "کار شوهرم آزاده یک روز هست و یک روز نیست. خوب اینجور مسائل روی خانواده فشار میاد. هرچی این دور و بر گشتم کار مناسب پیدا نکردم."

#### ❖ عوامل اقتصادی

بر اساس گفته‌های زنان مصاحبه شونده که با توجه به بافت عمومی منطقه غالباً به طبقات اقتصادی فرودست تعلق دارند درآمد اندک و عدم تناسب آن با نیازهای خانواده و به ویژه انتظارات فرزندان، منشأ مشکلات جدی برای آنان است.

م ۲۹ سال، می‌گوید: "این مشکلات اقتصادی اینقدر فشار آورده که دیگه می‌گیم همین‌ها حل بشه و دیگه بقیه رو ولش کن و هیچی نمی‌خواهیم."

ک ۳۳ ساله، نیز گله‌ی مشابهی دارد: "مشکل مالی دارم، با چهار صد تومن زندگی کردن خیلی سخت به خدا با دو تا بچه، با همین مریضی، دیسک کمردارم".  
ک ۶۰، ساله هم از خواسته‌های فرزندانش می‌گوید: "اگر پول باشه که اینقدر ناراحتی نداره. جوان داریم و رخت و لباس می‌خوان و هزار چیز می‌خوان دیگه".

#### ❖ عوامل فرهنگی

##### • کلیشه‌های جنسیتی

کلیشه‌های جنسیتی، تصور ذهنی یکنواخت و قالب‌بندی شده‌ای از رفتارهای خاص مربوط به زنان و مردان را بدون آنکه مورد بررسی و آزمون قرار گرفته باشند ارائه می‌دهند. این کلیشه‌ها از طریق سیستم غالب در فرهنگ با استعاره‌ها، کنایه‌ها، داستان‌های اساطیری و نظایر آنها به افراد جامعه القا می‌شود و معمولاً زنان و مردان برای اجتناب از طردشدن از جامعه در چارچوب هنجارهای اجتماعی مبتنی بر کلیشه‌های جنسیتی خود رفتار می‌کنند، و شیوه بیان احساسات، حالات روانی و حتی علایق خود را در این چارچوب قرار می‌دهند (اعزازی، ۱۳۸۰: ۱۱۵-۱۰۱).

ج ۲۸ ساله می‌گوید: "اغلب مردها کار کردن زن رو قبول ندارن. می‌گن زن باید واسه تو خونه. الان ما رانندگی می‌کنیم و یک جایی ائستباه می‌کنیم بهمون می‌گن تو برو طرف‌هاش بشور. به جای رانندگی. الان مردهای ما بر همین اساس می‌گن بشین خونه، غذا بپز، خونه جارو کن، بچه‌ها رو تربیت کن به جایی که بخوای بری بیرون کار کنی".

الف ۴۱ ساله، می‌گوید: "مردم یک جور دیگه فکر می‌کنن. انگار همیشه ما مقصریم. مثلاً اگر تربیت بچه مون مشکل داشته، اگر شوهره یک مشکلی داشته باشه. با اینکه تربیتش برمی‌گرده به خانواده‌اش اما می‌گن خانمش. یا خانواده‌اش یک برخورد بدی ازش ببینن می‌گن خانمش اینجوریه. مقصره دیده می‌شیم".

##### • تعصب و جزم اندیشی شوهر

نوعی پافشاری بر درستی یک مطلب و داشتن تعصب و باورهای ثابت است که فرد در آنها بازنگری و تجدید نظر ندارد و با اصرار آن را قطعی و حتمی می‌داند.

الف ۳۱ ساله، می‌گوید: "طرز فکرت خیلی سنتی هست. رفتارش و اخلاقش و طرز فکرتش مثل بابا و بابابزرگ منه تا شوهرم. حدود ۴۱ سالشه. مثلاً می‌گه زن بهتر تو خونه باشه، چرا باید کار کنه چرا باید زیاد بیرون باشه... کاری نمی‌شه کرد یا باید واستی به جنگ و دعوا یا باید باهاتس کنار بیایی".

همچنین م، ۳۸ ساله می‌گوید: "شوهرم می‌گه تو هرچی می‌خوای من بهمت می‌دم نرو بیرون کار نکن. شاید فکر می‌کنه اگر زنم دستش تو جیب خودش بره قدرتش بیشتر می‌شه. شاید با

خودش فکر می‌کنه، زنم بره بیرون بقیه چی می‌گن. حرف مردم هم خیلی برائش مهمه. مثلاً زن جوان من بره اونجا معلوم نیست با چه مردها چطور برخورد داشته باشه!"

• خود مقصرپنداری

نوعی خطای شناختی است که فرد گمان می‌کند که باید بتواند همه چیز را کنترل کند. بنابراین در بروز مشکلات خود را مقصر می‌داند. اگر همسر فرد با زن دیگری ارتباط برقرار کرده است. مثلاً فرد با خود می‌گوید: «تقصیر من است، اگر از لحاظ جنسی گرم‌تر بودم، اگر زیباتر بودم، اگر بیشتر برای همسرم وقت می‌گذاشتم و اگر ...، این اتفاق نمی‌افتاد».

در همین خصوص، ر ۳۱ ساله: "تو خانواده نمی‌تونم با شوهرم و یا با بچه‌هام ارتباط برقرار کنم. شوهرم مجبور می‌شه میره رابطه‌های مکرر پیدا می‌کنه... آره فکر می‌کنم خودم یک جاهایی کم می‌گذارم. از لحاظ جنسی و از هر لحاظ. خودم ضعیفم. باعث می‌شه طرف هم بگذاره بره... چون بزرگ شده روستا هستم خیلی چیزها رو خاموشم. نمی‌فهمم!"

• اجتماع ناهنجار

ناهنجاری‌های اجتماعی و اخلاقی که می‌تواند موجب گرایش مرد به روابط خارج از چارچوب خانواده شود منشأ یک نگرانی عمده برای برخی زنان مصاحبه شونده بوده است.

ن، ۳۷ ساله، می‌گوید: "خودمون به خودمون رحم نمی‌کنیم. خانم‌های بی حجاب و خیابونی زیاد شدن. خودشون میان می‌گن که صیغه بشن. این در بهترین حالت ممکنشه. مثلاً خودشون به مردها پیشنهاد می‌دن. دیگه می‌گن ما از نظر جنسی دیگه ارضا می‌شیم. برای چی خودمونو گرفتار کنیم. همینم هست که مردی که زن داره دیگه برای زن ارزش قائل نیست. منت زن رو نمی‌کشن. نازش خریدار نداره. می‌گن این نبود یکی از این بهتر!"

جدول ۳: زمینه‌ها و علل شکل‌گیری مسائل اجتماعی از دید زنان

عوامل	طبقات
عوامل ساختاری	ناکارآمدی ساختارهای محلی ناتوانی در تامین امنیت
عامل اقتصادی	ناتوانی خانوار در تامین نیازهای اساسی نبود فرصت‌های محلی برای پیشرفت زنان
عامل فرهنگی	کلشه‌های جنسیتی
	تعصب و جزم اندیشی شوهر

### ❖ واکنش زنان در مواجهه با مشکلات چیست؟

سؤال چهارم پژوهش پیرامون چگونگی واکنش زنان به مشکلات است. زنان در مقابله با مشکلاتشان، واکنش‌های متفاوتی در پیش می‌گیرند که می‌تواند طیفی از پاسخ‌های فعال و منفعل را دربرگیرد.

### ❖ پذیرش و مدارا

موقعیت فرودستی و پذیرش ذهنی آن از سوی زنان که ناشی از ساختار و فرهنگ مردانه و نبود راهکارهای جایگزین در برابر مدارا و تحمل است، زنان را ناگزیر از پذیرش وضع موجود می‌کند که معمولاً تحمل وضع موجود با هدف حفظ زندگی انتخاب می‌شود.

ن ۲۸ ساله، می‌گوید: "راضی شدم دیگه. قبول کردم و گفتم اشکالی نداره حالا اونجور که تو می‌خوای دیگه. کنار اومدم باهاش".

س ۳۲ ساله، می‌گوید "بعد از اینکه مدرکم رو گرفتم و چندجا کار دولتی بود گفت نمی‌خواد بری. چند جا غیر دولتی بود. باز گفت رفت و آمد مرد زیاده و جایی که رفت و آمد مرد زیاده نمی‌خوام بری. منم برای زندگیم مجبور شدم کوتاه بیام".

ب ۴۱ ساله، هم می‌گوید: "تخصصیم خرد نمی‌شه. ولی می‌دونم نمی‌تونم به آخر برسونم. مثلاً برم دادگاه برم پاسگاه برم خونه مامانم باز واسطه بشن. اینور و اونور باز برگردم. شوهرم می‌گه رفتی دوباره باز گشتی".

دغدغه فرزندان عامل بسیار مهمی در تصمیم زنان به ادامه زندگی دشوار بوده است. ف ۳۳ ساله، می‌گوید: "درکش خیلی پایینه. شاید من چیزهایی بخوام که از نظر اون نامتعارف باشه. خیلی مشکل داریم اما دوتا بچه دارم و چاره‌ای ندارم".

م، ۴۵ ساله می‌گوید: "یک دفعه دعوامون شد خیلی بد. به زد و خورد رسید و دستم رو گرفت از خونه انداخت بیرون بچه‌ها رو هم کرد تو خونه. فکر کردم بچه‌ها رو از من می‌گیره. دیگه همسایه‌ها هم بیرون بودن. ولی بیشتر فکر میکردم بچه‌ها رو از من گرفت. خیلی ترسیدم".

### ❖ دعا و توسل



پ، ۴۹ ساله می‌گوید: "رفته بود سرکار. شب کار بود و بعد گفت مامان کمرم گرفته. یک دعا کردم دیدم کمرش خوب نسد. گفتیم خدا یا خودت می‌دانی که به غیر از تو کسی ندارم. قبلاً نماز می‌خواندم خیلی درد دل می‌کردم."

ک، ۵۲ ساله می‌گوید: "توکل به خدا، امیدم به خداست اینا رو به خدا سپردم. دیگه عقلم به هیچ کجا نمی‌کشه. واگذار کردم به خدا و گفتیم تا نمردم این‌ها برن پی بخت و روزشون و منم خیالم راحت بشه. باید صبر کنیم!"

ب، ۵۶ ساله می‌گوید: "به خدا سپردم دیگه. فقط خسته ام. نه می‌تونم دادگاه برم. نه پاسگاه برم. نه وقتش رو دارم نه پولش رو دارم. چون خدا تو زندگی من خیلی نقش داشته. یعنی خدا راه‌هایی جلوی پام گذاشته که خودم هم باورم نمی‌شده که من همچین مشکلی داشتم و همه چی زود و سریع حل شده. روش‌های دیگه رو بلد نیستیم. همه چیز رو به خدا می‌سپرم."

در موارد معدودی زنان نوعی واکنش فعال در برابر مشکلاتشان در پیش گرفته‌اند.

م، ۴۰ ساله می‌گوید: "به خاطر بچه‌ها زندگی رو نباید تلخ کنم. تو خونه یک بازی راه می‌اندازم می‌گم بذار روی بچه‌ها هم حداقل این رابطه تأثیر نگذاره. چون روی زندگی آینده شون هم تأثیر داره. واسه همین خودم دنبال چاره هستم. تازگیها سعی میکنم کتابهای روانشناسی زیاد بخونم. کتابهای مربوط به نگرش و دید و اینها. بعد شوهرم وقتی می‌بینه من می‌خونم، اونم بر می‌داره می‌خونه. تازگیها می‌بینم یک تغییرات کوچولویی کرده!"

### بحث و نتیجه گیری

زندگی در بافت‌های حاشیه‌ای شهرها به سبب خصیصه‌های ساختاری این مناطق دشوار است و زنان به طور مضاعف با این دشواری‌ها و تنگناها مواجه‌اند که در این مقاله به مسائل پرداخته شده‌است. این پژوهش به عنوان گامی در جهت ارتقای آگاهی جامعه در خصوص مشکلات واقعی زنان حاشیه نشین با تکیه به روایت خود آنان انجام شده‌است. غلبه کلیشه‌های فرهنگی مبتنی بر نگاه جنسیتی به زنان در فرهنگ عمومی، فرودستی اجتماعی و منزلتی زنان در برابر مردان، فقر اقتصادی، محرومیت از امکانات زندگی، نگاه به خویش به عنوان جنس دوم، سلطه مردان در چارچوب خانواده باعث می‌شود که زنان نه تنها از حیث جغرافیایی، بلکه از نظر موقعیت اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی نیز در حاشیه خانواده و اجتماع محلی قرار گیرند. در این تحقیق مشکلات زنان حاشیه نشین سکونت گاه غیررسمی التیمور مشهد بررسی و با مصاحبه با بیست و پنج نفر از زنان متأهل انتخاب شده، تلاش کردیم از خلال روایت‌هایی که زنان از تجربه‌های زیسته خود داشتند واقعیت موجود در متن زندگی آنان را نشان دهیم. به زعم هاردینگ<sup>۱</sup> هر گروه با توجه به موقعیت ساختاری اش در نظم اجتماعی، اشکال مختلفی از ستم‌دیدگی و استعمار را تجربه

کرده و جهان را به شیوه‌ای متفاوت از لحاظ پدیدارشناختی تجربه می‌کند. این نوع خاص زندگی به آن گروه اجازه دیدن ویژگی‌هایی از جهان را می‌دهد که برای سایر گروه‌ها پوشیده، نامرئی و یا صرفاً مقعّطی و در درجه دوم اهمیت باقی می‌ماند (هاردینگ، ۲۰۰۴: ۱۴۵).

سؤال نخست تحقیق، نوع رویکرد و فهم زنان مصاحبه شونده از مشکلاتشان بود. در این مورد اکثریت پاسخگویان برداشتی قضا و قدری از مسائل خود داشتند و عمدتاً دیگران، اعم از خانواده یا جامعه بزرگ را در وضعیت خود مقصر تلقی می‌کردند. در مقابل، تعداد کمی از پاسخگویان به نقش و تصمیم خود در بروز شرایط دشوار اشاره کردند. در مورد مشکلات زنان، بر اساس نتایج تحلیل متن مصاحبه‌های انجام شده این مشکلات در دو قلمرو خصوصی و عمومی بررسی شد. در قلمرو خصوصی یا خانواده مهم ترین مشکلات مبتلابه زنان عبارتند از: تجربه انواع خشونت آشکار و پنهان از سوی شوهر از قبیل کتک خوردن، تحمل محرومیت عاطفی، محرومیت اقتصادی، بدبینی و سوء ظن و محروم شدن از امکان رشد و پیشرفت فردی. همچنین نادیده گرفته شدن از سوی خانواده و تحمل فشار حاصل از همزمانی وظایف خانگی و کار بیرون از خانه از متن مصاحبه‌ها استخراج شد. وجه دیگر مشکلات در قلمرو خصوصی به روابط زنان در موقعیت مادری با فرزندانشان مربوط می‌شود که عبارتند از دغدغه‌های شغلی، تربیتی و نیز ناتوانی در ارتباط موثر با فرزندان. مشکلات قلمرو عمومی مشخصاً شامل احساس ناامنی در سطح محله در حیطه‌های مالی و اخلاقی، و فقدان روابط متعادل و گرم با همسایگان بوده است.

در تبیین مشکلات، زنان مصاحبه شونده به ناتوانی اقتصادی خانواده در تامین نیازهای اولیه، به خصوص برای فرزندان، عوامل فرهنگی و مشخصاً کلیشه‌های جنسیتی و تعصب و جزم اندیشی مردان، ناهنجاری‌های اجتماعی به عنوان منشأ انحراف مردان و نهایتاً خطای خودشان به عنوان عامل پدید آمدن مشکلات اشاره کردند. بخش دیگری از یافته مطالعه درخصوص نحوه مواجهه زنان با مشکلات است که در این مورد زنان مصاحبه شونده به شیوه‌های غیر فعال (پذیرفتن وضع موجود و مدارا و نیز توسل به باورهای مذهبی) و فعال در واکنش به مشکلاتشان اشاره کردند.

نتایج بدست آمده در زمینه مشکلات زنان در قلمرو خصوصی، نشان دهنده توزیع نابرابر قدرت در خانواده است به طوری که در این چارچوب زنان در برابر مردان دسترسی کمتری به منابع مالی، پایگاه اجتماعی، قدرت و فرصت برای خویشتن یابی در اختیار دارند و در خانواده زنان مطیع‌اند و نقش‌هایشان از پیش تعیین شده است. در نظریه بلاد و ولف<sup>۱</sup> هم که به نظریه منبع معروف است به این مطلب تأکید شده است که توازن قدرت در تصمیم گیری به طرف فردی خواهد بود که با اهمیت‌ترین منابع را در اختیار دارد (قندهاری، ۱۳۸۲؛ ۲۱ و ۲۲). بلاد و ولف معتقدند که تعادل و توازن قدرت در تصمیم گیری‌ها در خانواده به نفع کسی است که منابع بیشتری را به خانه می‌آورد. هرچه منابعی که فرد در اختیار دارد بیشتر باشد، از قدرت بیشتری برخوردار است و چنین فردی حق دارد تصمیمات مهمی را که بر کل خانواده تأثیر

۱ Blood and Wolf

می‌گذارد اتخاذ کند (زنجان‌زاده و همکاران، ۱۳۹۱: ۲۰). نتایج بدست آمده هم‌گویای آن است که در جامعه مورد بررسی، مردان صاحب قدرت و تصمیم‌گیرنده‌اند و این امکان را دارند که با توسل به خشونت، چه در شکل آشکار آن و چه به شکل تحمیل محرومیت‌های اقتصادی، اجتماعی، شغلی و عاطفی اراده خود را جاری کنند. در مقابل، زنان مورد مطالعه، خود چندان امیدی به پیگیری حقوقشان ندارند زیرا تصور می‌کنند نه از حمایت قانونی برخوردارند و نه از پشتیبانی جامعه و حتی خانواده. نتیجه این که تحمل و مدارا و توسل به باورهای مذهبی به عکس‌العمل غالب در میان این زنان تبدیل می‌شود. در این قلمرو به صورتی متناقض نما، زنان هویت خود را در همسری و عموماً مادری بازنمایی می‌کند و علیرغم مدیریت داخل خانه و تربیت و آموزش فرزندان، از عدم مهارت در برقراری ارتباط با فرزند و همسر، احساس عدم درک در رابطه متقابل، نگرانی و ناامیدی و بالاخره پرخاشگری و توهین لفظی و تحقیر و خشونت جسمی و روانی علیه شان می‌گویند. حوزه عمومی زندگی زنان مصاحبه‌شونده با ترکیبی از فقدان احساس امنیت به عنوان شرط بدیهی و اولیه حضور اجتماعی آنان در عرصه عمومی و عدم تعادل در مناسبات همسایگی همراه است. در عین حال عدم دسترسی زنان به آموزش و اشتغال، در کنار کلیشه‌های اجتماعی جنسیتی و رویکرد پدرسالارانه حاکم بر خانواده امکان تغییر شرایط و تحقق آینده‌ای بهتر را از آنان سلب کرده است. چنان که اشاره رفت رویکرد زنان به مسائلشان به طور ضمنی یا آشکار رویکردی جزمی است و در فقدان حمایت‌های قانونی و اجتماعی، به نظر می‌رسد که احساس بی‌قدرتی و اعتقاد به سرنوشت و تقدیرگرایی در آنها تقویت شده است. این نکته‌ای است که اسکار لوئیس در نظریه ی فرهنگ فقر به آن اشاره دارد و بر اساس آن، الگوی ذهنی و رفتاری این افراد به گونه‌ای است که در برابر مسائل تسلیم شده و سازش می‌کنند.

جمع بندی مصاحبه با زنان ساکن در محله التیمور نشان می‌دهد آنها خود را فاقد قدرت و بیگانه‌ای در خانه و جدا از محله و جامعه می‌دانند. به طور ناگزیر در لحظه زندگی می‌کنند و نمی‌توانند نقشه و ایده‌ای برای آینده خود داشته باشند. زنان مورد مطالعه در زندگی خانوادگی خود کمتر متوجه بعد اجتماعی مسائل می‌شوند و حتی مسائلی که در نظام فرهنگی و اجتماعی و ساختاری جامعه ریشه دارد در بسیاری از موارد برای آنها مساله‌ای شخصی و خانوادگی است.

چارلز رایت میلز<sup>۱</sup>، جامعه‌شناس برجسته آمریکایی در کتاب خود (بینش جامعه شناختی نقدی بر جامعه شناسی آمریکایی) بر این موضوع تأکید کرد که جامعه‌شناسی باید بکوشد سرگذشت‌های فردی را در پیوند با تاریخ جمعی و گرفتاری‌های شخصی را در ارتباط با مسائل عام اجتماعی تحلیل کند. میلز بر خورداری از تخیل جامعه‌شناختی را مستلزم چنین نگاهی به زندگی اجتماعی می‌داند اما معتقد است گرایش‌هایی چون روان‌شناسی گرایی و تمایل به طرح تئوری‌های کلان در جامعه‌شناسی موانعی بر سر راه تشخیص این پیوندها و در نتیجه بسط تخیل جامعه‌شناختی می‌شود. به تعبیر میلز<sup>۲</sup> "زندگی یک فرد و تاریخ یک جامعه

<sup>۱</sup> Charles Wright Mills

بدون فهم هر دو قابل فهم نیستند و دعوت می‌کند که گرفتاری‌های شخصی را در پیوند با مسائل عام اجتماعی ببینیم. میلز معتقد است که تصور جامعه‌شناختی مردم را قادر می‌سازد زندگی و جامعه خود را تغییر دهند زیرا به ما امکان می‌دهد مشکلات شخصی (دریافت شده) مانند درآمد ناکافی برای اداره زندگی را در زمینه و بافت وسیع‌تری ببینیم. این مشکلات نه تنها مشکلات شخصی را در بر می‌گیرند، بلکه شامل مسائل عمومی نیز می‌شوند زیرا از نقص ساختار اجتماعی، مثلاً دستمزد ناکافی، نشات می‌گیرند. وی اعتقاد دارد این شناخت وظیفه و رسالت بینش جامعه‌شناسانه است که نهایتاً نخ نامرئی نظریه جامعه‌شناختی را از ابتدا تشکیل می‌دهد. تفکر میلز از این جهت حایز اهمیت است که رابطه میان موضوعات شخصی و موضوعات عمومی درک شود، یعنی این که تجربیات خصوصی چگونه ریشه در شرایط اجتماعی دارد؟ بر اساس دیدگاه میلز، زنانی که با تجربه‌هایی چون محرومیت مادی، خشونت همسر یا ناامنی اجتماعی مواجه می‌شوند احتمالاً آن را مسئله‌ای شخصی و به عنوان مثال در چارچوب روابط خود و همسرانشان درک می‌کنند اما تکرار این تجربه‌ها حاکی از وجود یک بستر اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی است که مشکلات شخصی زنان را باید در آن متن فهمید و تبیین کرد.

#### پیشنهادات پژوهش

به نظر می‌رسد فقدان امنیت و موقعیت فرودست زنان در خانه و در روابط با اعضای خانواده و به طور خاص همسر، همچنین در محله زندگی عمدتاً ناشی از فقر اقتصادی، نداشتن سرمایه‌ی اجتماعی و دانش و مهارت است. زنان به بازتعریف «خود» و ساخت هویت جدید نیاز دارند که می‌تواند با مداخلات فرهنگی و اجتماعی و در خلال کنش‌ها و تعاملات اجتماعی پی‌ریزی شود. در این خصوص گسترش شبکه روابط اجتماعی با اهداف مشترک و با اتکا به نیاز اکثریت ساکنان در محله می‌تواند در بهبود وضعیت زنان نقش تعیین‌کننده‌ای داشته باشد. لذا استفاده از فرصت‌های موجود در محله و با توجه به نیاز مالی آنها، ایجاد شبکه‌هایی با اهداف اقتصادی، اجرای طرح‌های کارآفرینی و توانمندسازی، مهارت‌آموزی و تمرکز بر مشاغل خانگی و زود بازده و توسعه کسب و کار و در نهایت اتصال مشاغل به بازار می‌تواند بخشی از مشکلات زنان را در خانه و بیرون از خانه حل کند. لذا برگزاری کارگاه‌هایی برای افزایش آگاهی‌های اجتماعی و فرهنگی و دوره‌های مهارت‌آموزی برای ایجاد و ماندگاری یک زندگی زناشویی مشترک سالم بین زوجین و افزایش سطح خود آگاهی و خودباوری برای تبیین مسائل و محقق شدن زندگی عقلانی، غلبه بر تقدیرگرایی و جلوگیری از گسست عاطفی به نظر ضروری است. بی تردید ترغیب مردها به حضور در جلسات و کارگاه‌های مذکور بر اثربخشی این آموزش‌ها می‌افزاید. در این خصوص و به طور کلی سیاستگذاری برای زنان ساکن در سکونتگاه غیر رسمی می‌توان از سازمان‌های مردم‌نهاد (سمن‌ها)، خیریه‌ها و دفاتر تسهیل‌گری مستقر در محلات استفاده کرد.

در این چارچوب، پیشنهادات مشخص محققان برای کاهش موثر مشکلات زنان حاشیه‌ای تکیه بر الگوی توانمندسازی اقتصادی - اجتماعی است. چهار عنصر کلیدی توانمندسازی است که باید مبنا و شالوده

اصلاحات نهادی باشند، که عبارتند: دسترسی به اطلاعات، فراگیری/ مشارکت، پاسخگویی و مسئولیت پذیری، ظرفیت سازمانی محلی (نارایان<sup>۱</sup>، ۱۳۹۴: ۲۸-۲۷). با عنایت به پیشینه مطالعات توانمندسازی، محورهای اصلی اقدامات پیشنهادی را می‌توان در دو محور اقتصادی و اجتماعی به شرح زیر دسته بندی کرد:

- در حوزه اجتماعی: تشکیل پاتوق‌های گفتگو و کمپین اخلاق محور در جهت تشکیل شبکه‌های اجتماعی محله، دوره‌های آموزشی مهارت‌های زندگی متناسب با شرایط سنی، جنسی و تحصیلی افراد در قالب‌های خلاق، ارائه خدمات متنوع مشاوره‌ای و انگیزشی مورد محور، دوره آموزشی در زمینه‌هایی نظیر آموزش مدیریت منابع مالی، بهداشت عمومی و فردی و سلامت تغذیه‌ای، مسائل مربوط به حقوق زنان و کودکان، محیط زیست (عمدتاً در قالب‌های کارگاهی)، تشکیل شورای توانمندسازی محله با حضور نمایندگان مستقیم ساکنان و نهادهای محلی معتبر، برگزاری دوره‌های هنرآموزی گروهی، با توجه به نقش هنر در ایجاد روحیه و نیروی مثبت زندگی در جامعه هدف.

- در حوزه اقتصادی: برنامه‌ریزی با هدف استفاده از ظرفیت نهادهای محلی برای علاقه مندی هرچه بیشتر دختران و زنان در راستای کارآفرینی، کمک به حل مشکلات مشاغل خانگی، استفاده از نیروی کار زنان از طریق ایجاد کارگاه‌ها و آموزشگاه‌های حرفه‌ای (خیاطی و...)، برگزاری دوره‌های آموزشی کارآفرینی و همکاری با کارآفرینان برتر، آموزش زنان جهت راه اندازی مشاغل کوچک و زودبازده و شناسایی افراد دارای مهارت در حرفه یا صنایع دستی خاص و تشویق آنان به منسجم شدن در قالب NGO، اقدام به ایجاد تعاونی از پیشه‌وران خرد، مهارت آموزی به زنان طی دوره‌های فشرده و کوتاه مدت و حمایت از مشاغل خانگی و معرفی محصولات به بازار.

**تضاد منافع:** بنا بر اظهار نویسندگان، مقاله حاضر فاقد هرگونه تعارض منافع بوده است.

#### منابع

- عزازی، شهلا. (۱۳۸۰). «تحلیل ساختاری جنسیت»، مجموعه مقالات اولین کارگاه آموزش تحلیل جنسیتی، گردآوری و تنظیم: نسربین جزئی، تهران، دانشگاه شهید بهشتی.
- افراسیابی، حسین؛ جهانگیری، ساناز. (۱۳۹۵). آسیب‌شناسی تعاملات اجتماعی زنان سرپرست خانوار (مطالعه کیفی شهرستان شاهین شهر)، زن در توسعه و سیاست، ۱۴(۴): ۴۵۰-۴۳۱.
- استراس، آنسلم؛ کربین، جولیت. (۱۳۸۵). اصول روش تحقیق کیفی مبنایی، رویه‌ها و شیوه‌ها، ترجمه بیوک محمدی، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

ابراهیم‌زاده، عیسی؛ بریمانی، فرامرز؛ نصیری، یوسف. (۱۳۸۳). حاشیه نشینی؛ ناهنجاری‌های شهری و راهکارهای تعدیل آن، موردشناسی کریم‌آبادزاهدان، فصلنامه جغرافیا و توسعه، ۲ (۳): ۱۴۳-۱۲۱.

ایسنا، نکاتی برای انسانی تر کردن فضاهای عمومی شهرها، آدرس: <https://b2n.ir/s90967>

برناردز، جان. (۱۳۸۴). درآمدی به مطالعات خانواده، ترجمه حسین قاضیان، تهران: انتشارات نی.

بلیکی، نومن. (۱۳۸۴). طراحی پژوهش‌های اجتماعی. ترجمه حسن چاوشیان، تهران: انتشارات نی.

برگر، پیتر؛ لوکمان، توماس. (۱۳۷۵). ساخت اجتماعی واقعیت (رساله‌ای در جامعه‌شناسی معرفت)، ترجمه فریبرز مجیدی، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ دوم.

تولایی، نوین؛ شریفیان ثانی، مریم. (۱۳۸۲). سرمایه اجتماعی و رفاه اجتماعات محلی، سمپوزیوم سرمایه اجتماعی و رفاه اجتماعی، دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی، تهران.

دفتر تسهیل‌گری و توسعه محلی التیمور. (۱۳۹۸). گزارش سنجش وضعیت محله التیمور، مشهد، استانداری خراسان رضوی.

- رفیعی، حسن. (۱۳۸۰). مشکل اجتماعی: دستور کار نظام رفاه اجتماعی. فصلنامه رفاه اجتماعی، ۱(۱): ۳۳-۵.
- زنجانی زاده اعزازی، هما؛ صنعتی، نادر؛ اسماعیلی یزدی، فریال. (۱۳۹۱). سنجش میزان قدرت تصمیم گیری زنان در خانواده و عوامل موثر بر آن، فصلنامه انجمن ایرانی مطالعات فرهنگی و ارتباطات، ۸ (۲۶): ۱۱-۲۵.
- سهراب زاده، مهران. (۱۳۸۹). فرهنگ نامه آسیب‌های اجتماعی تهران: انتشارات جامعه شناسان.
- سایت شهرداری منطقه چهار مشهد، آدرس: <https://b2n.ir/a05707>.
- شالچی، سمیه؛ قلی‌زاده، صفیه. (۱۳۹۷). تجربه‌ی طرد اجتماعی زنان در سکونتگاه‌های غیررسمی (مورد مطالعه: محله ی اسلام آباد تهران)، مطالعات جامعه شناختی شهری، ۸ (۲۷): ۳۱-۱.
- صادقی، رسول؛ شهابی، زهرا. (۱۳۹۸). تعارض کار و مادری: تجربه گذار به مادری زنان شاغل در شهر تهران، جامعه شناسی کاربردی، ۳۰ (۷۳): ۱۰۴-۹۱.
- صادقی فسایی، سهیلا؛ مقدم، سمیه. (۱۳۹۲). مسئله‌شناسی زنان بنا بر روایت زنان (مطالعه کیفی)، رفاه اجتماعی، ۱۳ (۴۹): ۳۰۹-۳۴۶.
- صدیق اورعی، غلامرضا؛ فرزانه، احمد؛ باقری، مهدیه؛ محمدی، سیده شیوا. (۱۳۹۹). مبانی جامعه شناسی (مفاهیم و گزاره‌های پایه)، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- عبداللهی، محمد. (۱۳۸۳). طرح مساله اجتماعی در ایران: اهداف و ضرورت، مسائل اجتماعی ایران، تهران: انتشارات آگه.
- قاسمی نژاد، ابودر؛ حسونند، حامد. (۱۴۰۰). تجربه حاشیه‌نشینی و سلامت اجتماعی زنان (مطالعه‌ای کیفی در بین زنان حصار امیر پاکدشت)، فصلنامه علمی مطالعات امنیت اجتماعی، ۱۲ (۶۶): ۵۵-۳۷.
- قدرهاری، پردیس. (۱۳۸۲). زن و قدرت. تهران: سازمان میراث فرهنگی کشور (پژوهشگاه)، معاونت پژوهشی، پژوهشکده مردم‌شناسی.
- قزوینه، ژیلا؛ حسینی، سیدغلامرضا. (۱۳۹۶). پیامدهای اجتماعی عدم توسعه شهری بر خانواده‌های محلات حاشیه نشین (مطالعه موردی زنان محله حکمت آباد کرمانشاه)، سومین کنفرانس بین المللی روانشناسی جامعه شناسی علوم تربیتی و مطالعات اجتماعی، شیراز: موسسه عالی علوم و فناوری خوارزمی، مرداد ماه، <https://civilica.com/doc/668436>
- گال، مردیت؛ بورگ، والتر؛ گال، جوئیس. (۱۳۸۴). روش‌های تحقیق کمی و کیفی در علوم تربیتی و روانشناسی. (جلد اول). مترجمان: احمدرضا نصر، حمیدرضا عریضی، محمود ابوالقاسمی و همکاران. تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت).
- میرحسینی، زهرا؛ بوربور، زهرا؛ صمصامی، مرضیه؛ احمدی، نیره؛ اختری، زینب. (۱۳۹۹). چالش‌های زندگی روزمره زنان حاشیه نشین شهر تهران (مطالعه کیفی). مطالعات راهبردی زنان، ۲۲ (۸۹): ۳۶-۱.
- محمدپور، احمد. (۱۳۹۲). روش تحقیق کیفی ضدروش، جلد اول (منطق و طرح در روش شناسی کیفی)، تهران: انتشارات جامعه شناسان.

- محمدپور، احمد. (۱۳۹۰). روش در روش. درباره‌ی ساخت معرفت در علوم انسانی، تهران: انتشارات جامعه شناسان. میلز، چارلز رایت. (۱۳۸۹). بینش جامعه شناختی نقدی بر جامعه شناسی آمریکایی، ترجمه: عبدالمعبود انصاری، تهران: ناشر شرکت سهامی انتشار، چاپ چهارم.
- محمودیان، حسین؛ نصرآباد، حجه؛ کارگر شورکی، محمدرضا. (۱۳۸۸). زنان مهاجر تحصیلکرده در تهران، زن در توسعه و سیاست، ۷ (۴): ۷۰-۵۱.
- نارایان، دیپا. (۱۳۹۴). توانمندسازی و کاهش فقر، انتشارات بانک جهانی، واشینگتن، دی. سی، چاپ اول، مترجمان: پوراصغر سنگاچین، فرزاد؛ رضانی، جواد، ویراستار فارسی: حبیب جباری، وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی.
- نقدی، اسدالله؛ زارع، صادق. (۱۳۹۰). مطالعه تطبیقی مسائل زنان حاشیه نشین به منظور مدیریت آسیب‌های اجتماعی، فصلنامه علمی پژوهشی مدیریت انتظامی، ۶ (۴): ۵۷۹-۵۵۳.
- یوسفی، علی؛ نوغانی، محسن؛ حجازی، مهلا. (۱۳۸۸). انسجام در شبکه‌های همسایگی شهر مشهد، مجله جامعه شناسی ایران، ۱۰ (۱): ۱۶۱-۱۳۸.

- Azcona.G, Bhatt.A, Duerto.S ,Priya Uteng.T (2020). Harsh realities: Marginalized Women in Cities of The Developing World, Publishing entities: United Nations Entity for Gender Equality and the Empowerment of Women (UN Women), United Nations Human Settlements Programme (UN-HABITAT).
- Hindin.M.J (2007). "role theory" in George Ritzer (ed.) The Blackwell Encyclopedia of Sociology, Blackwell Publishing, 3959-3962.
- Hughes. K.C ,Wickeri. E. A (2011). Home in the City: Women's Struggle to Secure Adequate Housing in Urban Tanzania, Fordham International Law Journal, 34(4):786-929.
- Harding.S (2004). "Standpoint Theory as a site of Political , Philosophic and Scientific Debate" in Sanora Harding (ed) The Feminist standpoint theory Reader : London and NY:Routledge.



- Henderson.K. A, Hodges.S, Kivel. B.D (2002).Context and dialogue in research on women and leisure, *Journal of Leisure Research*, 34(3): 253-271
- Kakulu.L,Byrne.P.Viitanen.K (2009).Phenomenological Research in Compulsory Land Acquisition and Compensation. In I. Federation of Surveyors FIG (Ed), FIG Working Week, Eilat, 3-8-5.2009 FIG. Oxfam, Women's Empowerment Link (WEL).National Organization of Peer Educators (NOPE) and SITE Enterprise Promotion (SITE), Gender and Power Analysis in Nairobi Informal Settlements .Available at <https://landportal.org>
- Racher,F.E,Robinson.S(2002).Are Phenomenology and Postpositivism Strange Bedfellow? *Western Journal of Nursing Research*.25(5):464-481.
- Turner.J. H (2012). *Contemporary Sociological Theory*. India: SAGE Publications.

**Women's narratives of life's sufferings: Qualitative study in an informal residence (Case study: Al-Timur neighborhood of Mashhad)**

Simin Foroughzadeh<sup>۱</sup>

Saeed shariati mazinani<sup>۲</sup>

**Abstract**

The objective of this study was to understand the narrative of marginalized women in the Al-Timur region of Mashhad about the problems they experience in daily life. Researchers' approach in conducting the study was text analysis method and semi-structured interview was utilized for data collection. To achieve the objectives of the study, 25 purposefully selected married women living in the area were interviewed and the text of the interviews was analyzed thematically. Through women's narratives of their lived experiences, problems in the public and private spheres were extracted as the main themes. Women's perceptions of their problems were also questioned and based on the findings, women had a fateful approach to problems. Regarding the causes of issues, the interviewed women women interviewed pointed to cultural, economic and structural variables, and finally, the types of women's reactions to their problems were questioned and it was found that Women engage in a variety of active and passive reactions.

**Keywords:** Women, problems, Mashhad, informal neighborhood, qualitative research, AL-Timur

---

<sup>۱</sup> Research Instructor , Academic staff of Iranian Academic Center for Education,Culture & Research (ACECR) , Khorasan Razavi Branch,Iran , s.foroughzade@jdm.ac.ir

<sup>۲</sup> Research Instructor , Academic staff of The Institute of Applied Science and Technology of Jihad Daneshgahi Mashhad, Iran ,(Corresponding Author) , shariatima@jdm.ac.ir